



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

گزارش رصد فرهنگی (۱)

## سیاست موسیقی در ایران

(با توجه به رویدادهای سال ۱۳۹۸)



مرکز رصد فرهنگی کشور

知



گزارش رصد فرهنگی  
(۱)



**سیاست موسیقی در ایران**  
(با توجه به رویدادهای سال ۱۳۹۸)

نرگس آذری



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، کارگروه رصد فرهنگی  
عنوان گزارش: سیاست موسیقی در ایران (با توجه به رویدادهای سال ۱۳۹۸)  
نویسنده: نرگس آذری  
دبیر مجموعه: اسماعیل غلامی پور  
ویراستار علمی: محمد فکری  
ویراستار ادبی: مهناز احدی  
صفحه‌آرا: مهتاب خاکیان  
طراح جلد: فریمه فاطمی  
نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۹  
شمارگان: برای مخاطبان خاص

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.  
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
صندوق پستی: ۶۲۷۴-۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

## فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۳.....	«درجاماندگی»: مسئله سیاست موسیقی.....
۷.....	منطق متفاوت سیاست موسیقی در ایران و جهان.....
۷.....	سیاست‌های موسیقی فرانسه.....
۸.....	سیاست‌های موسیقی انگلیس.....
۱۰.....	سیاست‌های موسیقی ترکیه.....
۱۱.....	تحلیل تطبیقی سیاست‌های فرهنگی ایران و نمونه‌های مورد بررسی.....
۱۳.....	دو رویداد سال ۱۳۹۸ و توصیف وضعیت موسیقی کشور.....
۱۴.....	حواشی پیرامون قانون اخذ مالیات از اجراهای صحنه‌ای.....
۱۴.....	نارسایی ارتباط و نمایندگی میان دولت و نخبگان.....
۱۶.....	حمایت غیرتخصصی از موسیقی.....
۱۸.....	علیه مصرف ارزان و همگانی موسیقی در سالن‌های اجرا.....
۲۱.....	لغو قانون؛ آشفتگی سیاست‌گذاری.....
۲۳.....	همخوانی آهنگ ساسی مانکن در مدارس.....
۲۵.....	وضعیت مصرف موسیقی و تغییر ذائقه موسیقی در کشور.....
۳۰.....	وضعیت آموزش موسیقی و بی‌سوادی موسیقایی در کشور.....
۳۵.....	عوامل و زمینه‌های درجاماندگی سیاست‌گذاری موسیقی.....
۳۶.....	موانع بوروکراتیک.....
۴۲.....	موانع ایدئولوژیک.....
۴۵.....	موانع اقتصادی.....
۴۸.....	روندهای پیش رو.....
۴۸.....	غلبه اقتصاد بازار بر حکمرانی فرهنگی.....
۵۰.....	عدم حفاظت از موسیقی ایرانی.....
۵۳.....	سیاست‌های پیشنهادی.....
۵۶.....	فهرست منابع.....





## چکیده

از نظر هنرمندان و فعالان عرصه موسیقی کشور، در دهه‌های اخیر در حوزه موسیقی میان نظرات فقهی و نیازهای جامعه اختلاف نظرهایی وجود داشته و به نظر می‌رسد در این میان، از سیاست‌گذاری غفلت شده است. سیاست‌گذاری باید بتواند میان ویژگی‌های حکومت و نیازهای یک جامعه توافق و آشتی پدید آورد و مصالح عمومی را در نظر داشته باشد؛ بنابراین پرسش اصلی این است که اگر این مهم تحقق نپذیرفته؛ - چنانچه آمارهای مربوط به مصرف موسیقی مبین آن است - چه دلایل بنیادینی در میان بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش در گزارش حاضر ابتدا وضعیت موجود توصیف شده و در ادامه، دو رویداد مهم مرتبط با موسیقی در سال ۱۳۹۸ (حواشی پیرامون قانون اخذ مالیات از اجراهای صحنه‌ای و همخوانی آهنگ ساسی مانکن در مدارس) تشریح شده‌اند. به نظر می‌رسد این دو رویداد گویای وضعیت موسیقی کشور از نظر اقتصادی، فرهنگی و وضعیت نهادهای سیاست‌گذاری و متولی‌اند. این دو رویداد به شیوه‌ای تحلیل شده‌اند که تنها پیامدهای وضعیت کنونی را نشان می‌دهند. برای درک بهتر این وضعیت باید فراتر از آسیب‌شناسی گام برداشت



و به علل بنیادینی پرداخت که اساساً این وضعیت را امکان بخشیده و حیات خود را در تداوم این وضعیت می‌بینند؛ حتی اگر آسیب‌های ناشی از آن با ارزش‌های فرهنگی متعارض باشند که آن جدال اولیه را ترتیب داده‌اند. در ادامه گزارش، علت‌های بنیادین در حوزه اقتصادی با سرسپردگی به منطق بازار در عرصه موسیقی توضیح داده شده‌اند. موانع بوروکراتیک با ضعف‌های مترتب بر ساختار، بودجه و تخصص در دفتر موسیقی به شکل موانعی برای تغییر هویدا می‌شوند و این دو، در پیوند با محدودیت‌های ایجادشده رسمی در بستر ایدئولوژیک، موجب زوال موسیقی ایرانی در بخش میراثی و فرهنگی می‌شوند. در بخش پایانی این گزارش، روندهای آینده براساس وضعیت کنونی توصیف شده که مهم‌ترین آن‌ها در بخش اقتصادی مربوط به سرمایه‌گذاری زیان‌بار در حوزه موسیقی است و در عرصه فرهنگی، امتداد این وضعیت به تضعیف فرهنگی بدنه جامعه و از میان رفتن میراث فرهنگی جامعه ایرانی در بخش موسیقی منجر خواهد شد. در پایان گزارش، سیاست‌هایی برای تغییر روال‌های آینده و برساختن شیوه‌ای نو حتی با فرض تداوم وضعیت فقهی کنونی پیشنهاد شده‌اند.

**واژگان کلیدی:** موسیقی، سیاست فرهنگی، دفتر موسیقی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جامعه‌شناسی فرهنگی

## «درجاماندگی»؛ مسئله سیاست موسیقی

مرور تحقیقات موسیقی در کشور نشان می‌دهد عرصه سیاست موسیقی از گزارش‌های آسیب‌شناسی غنی شده است. اگر در مورد وضعیت حکمرانی مسائلی مانند آب، توهم برتری موقعیت فنی و مهندسی تا دهه‌ها مانعی جدی برای ایجاد فضایی انتقادی ایجاد کرده بودند و حتی بیان نقدهای معطوف به تغییر این سیاست‌ها را غیرممکن می‌کردند، اما در صحنه موسیقی با تعدد نقدها و بیان اعتراضاتی مواجه بوده‌ایم که آسیب‌های وضع سیاست‌های منع‌کننده تولید و عرضه موسیقی را برای فضای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور به کرات بیان کرده‌اند. در دهه‌های اخیر هرچه پیش‌تر آمده‌ایم، شواهد بیشتری برای تأیید آن هشدارها پدیدار شده‌اند. برای نمونه، آنچه در برگزاری مراسم درگذشت مرتضی پاشایی (خواننده پاپ) در سال ۱۳۹۳ روی داد و حاشیه‌های زیادی که در فضای دانشگاهی داشت یک نمود اجتماعی مهم درباره وضعیت موسیقی بود. نارضایتی و شکایت‌های اهالی موسیقی که گاه با زبان تند گلایه و اعتراض بیان می‌شود نیز نمودهای اجتماعی وضعیت موسیقی‌اند. اما آنچه در این گزارش به آن خواهیم پرداخت فراتر از این نمودها و آسیب‌های نمایان و پرداختن به مسئله موسیقی در پهنه سیاست‌گذاری است.

برای دهه‌ها، موسیقی در ایران با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های ایدئولوژیکی مواجه بوده که در عدم نمایش سازها از رسانه ملی نمود یافته، اما این مسئله در طول زمان به کرات تغییر شکل داده و گاهی در پس موضوع محدودیت پنهان شده است. بنابراین ضروری است بار دیگر با نگاهی متفاوت به مسئله‌شناسی موسیقی بنگریم تا علت‌های بنیادین این وضعیت روشن شود. برای توصیف بهتر مسئله باید توجه کرد که گرچه در دهه‌های اخیر موسیقی در رسانه‌های رسمی و غیررسمی دیگر تابع قواعد تعریف‌شده سخت‌گیرانه نیست و هرآنچه مخاطب را بیشتر بر سر هیجان می‌آورد از این رسانه‌ها پخش می‌شود (تا جایی که برخی از خوانندگان پیش از انقلاب نیز در چهره‌های جدید بازتولید می‌شوند و در رسانه ملی فضای فعالیت می‌یابند)، اما حاصل آن سخت‌گیری و این تغییرات شدید مداوم بهبود

وضعیت موسیقی کشور نبوده است. چنانچه در این گزارش خواهد آمد، نه سهم اقتصاد کشور از صنعت موسیقی جهان از عددی نزدیک به صفر بیشتر شده و نه فضایی برای دلگرمی موسیقی‌دان‌ها، خوانندگان و ناشران موسیقی پدید آمده تا زمینه‌های فعالیتشان را گسترش دهند و شاید مهم‌تر از همه این‌ها، «موسیقی نواحی و سنتی» به‌عنوان یکی از مفاخر فرهنگی با تنوعی کم‌نظیر به‌شدت تضعیف شده و بسیاری از موسیقی‌دان‌ها امید کمی برای نجات آن از فراموشی دارند. به‌این‌ترتیب، سیاست فرهنگی در چهار دهه گذشته نسبت به حوزه موسیقی بی‌تفاوت نبوده است و اگرچه نمایش ساز در رسانه ملی همچنان ممنوع یا مکروه است، اما نمی‌توان از باز شدن فضای رسانه رسمی بر تنوع و تکثر موسیقی چشم‌پوشی کرد. با وجود این، شاخص مصرف موسیقی و اجراهای صحنه‌ای، که در پرتو تغییرات سیاستی افزایش یافته است، نمی‌تواند گواهی بر بهبود سایر روندهای تخریب‌گر فرهنگی در این حوزه باشد، به‌علاوه، شاخص‌های اقتصادی این بخش در عرصه جهانی نیز بهبود نیافته‌اند.

اقتضای شرایط اقتصادی کنونی کشور، که با عنوان جنگ اقتصادی یاد می‌شود، نیز نتوانسته تغییری در سیاست‌ها برای رفع موانع حاکمیتی و فرهنگی برای بهره‌مندی از بخش خدماتی و فرهنگی موسیقی در زمینه اشتغال، سرمایه‌گذاری و توسعه به وجود آورد. ثمره این وضعیت البته تنها در محرومیت از این صنعت درآمدزای پایدار - بدون نیاز به زیرساخت‌های گران و فارغ از محدودیت‌های اقلیمی و انسانی - خلاصه نمی‌شود، بلکه عرصه فرهنگی نیز در معرض خطری مداوم قرار دارد. این تهدیدها در صحنه موسیقی در رویدادهای مختلف هر از گاهی پدیدار می‌شوند، به‌نحوی که در هریک از این وقایع، سیاست‌های فرهنگی کشور به موسیقی هیجانی پاپ و متعلقات صحنه‌ای آن می‌بازد. نمونه‌های متعددی در توصیف این وضعیت را می‌توان بیان کرد، اما در این گزارش دو رویداد سال ۹۸ به‌عنوان شاهد مدعاهایی در رابطه با توصیف وضعیت انتخاب شده‌اند که هریک ناظر به آسیب‌شناسی بخشی از وضعیت موجود است که با واقعیت‌های آماری و توصیفی در مورد آن حوزه مرتبط دانسته شده و توضیح داده می‌شود.

جدول ۰۱. ساختار گزارش: رویدادها و روندهای شناسایی شده

رویداد مورد بررسی در سال ۹۸	حوزه آسیب‌ها و روندهای مورد بررسی
حواشی پیرامون قانون اخذ مالیات از اجراهای صحنه‌ای	سیاست‌گذاری کلان، سازمانی و نهادی، اقتصاد موسیقی
همخوانی آهنگ ساسی مانکن در مدارس	آموزش موسیقی، مصرف موسیقی، ایدئولوژیک

جدول دو خلاصه‌ای از روندها و آسیب‌های شناسایی شده است که در این گزارش - در توصیف دو رویداد مورد بررسی - به آن‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۰۲. روندها و آسیب‌های شناسایی شده در حوزه موسیقی

حوزه	روندها	واقعیت‌ها	آسیب‌ها و پیامدها
سیاست‌گذاری کلان	سیاست‌های کنترلی و محدودکننده	عدم حمایت از توسعه موسیقی ایرانی در جهان	سهم محدود ایران از موسیقی جهانی تهدید شناسه موسیقی ایرانی در جهان و جایگزینی آن با موسیقی منطقه‌ای و عربی عدم اصلاح و انطباق سیاست‌های کلان با تغییرات و نیازهای روز کشور
سازمانی و نهادی	فقدان ارتباط و نمایندگی مؤثر میان دولت و نخبگان ناکارآمدی سازمانی	عدم تخصص مدیران موسیقی عدم تخصیص بودجه متناسب به دفتر موسیقی و سایر نهادهای متولی ناهماهنگی بین دستگاهی در اهداف و پروژه‌های موسیقی نارضایتی ذی‌نفعان از نحوه تخصیص بودجه‌ها و سیاست‌گذاری	مدیران کوتاه‌مدت انتصاب غیر تخصصی مدیران فقدان سیاست‌گذاری یکپارچه ملی عدم مشارکت متخصصان و ذی‌نفعان در نظام حکمرانی
مصرف موسیقی	افزایش میزان مصرف موسیقی در بین همه اقشار و گروه‌های سنی	گران شدن اجراهای صحنه‌ای و محدود شدن مصرف آن به گروه‌های پردرآمد	سهم ناچیز موسیقی کلاسیک، سنتی و نواحی از مصرف موسیقی و غلبه موسیقی پاپ

## گزارش رصد فرهنگی (۱)

حوزه	روندها	واقعیت‌ها	آسیب‌ها و پیامدها
اقتصاد موسیقی	کالایی شدن موسیقی	۱۳ برابر شدن شرکت‌های نشر موسیقی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ نسبت به بازه زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۹ محدود شدن درآمد موسیقی به اجرای صحنه‌ای در ژانر پاپ سقوط شمار تولیدات صوتی به دلیل نوسانات ارزی سهم نداشتن موسیقی ایرانی از بازار جهانی موسیقی	غلبه اقتصاد بازار بر سیاست و فرهنگ موسیقی
ایدئولوژیک	فقدان شاخص‌های مورد توافق و قابل اتکا برای تشخیص موسیقی غنا از موسیقی حلال در مجوزدهی	فقدان گفتمان مشترک میان فقه و موسیقی تعدد نهادهای حاکمیتی و فقدان اعتبار مجوزها	سردرگمی فعالیت و سرمایه‌گذاری در حوزه موسیقی در درون محدوده‌های معین شده
آموزش موسیقی	فقدان آموزش موسیقی به کودکان محدودیت و بی کیفیت موسیقی آموزشی آموزشگاهی معدود بودن هنرستان‌های موسیقی	فقدان قابلیت ارزیابی کیفیت آموزشی تحمیل هزینه‌های بالا بر والدین و هنرجویان تنوع شیوه‌های آموزشی و نبود رویه معین آموزشی	کاهش کمیت و کیفیت ارکسترها پیامدهای فرهنگی در حوزه مصرف هیجانی به جای مصرف آگاهانه

## منطق متفاوت سیاست موسیقی در ایران و جهان

در مقایسه سیاست‌های فرهنگی ایران و کشورهای نمونه مورد بررسی در موضوع موسیقی، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد نه نوع و شیوه سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، بلکه منطق متفاوت حاکم بر این سیاست‌هاست. رویکرد متفاوتی بر منطق این سیاست‌ها حاکم است که در قالب یک دوگانه این‌گونه قابل بیان است: «منطق سیاست‌گذاری موسیقی جهانی اغلب حمایتی و توسعه‌ای و در ایران، کنترلی، سودجویانه و مصرف‌گرایانه است»؛ به این ترتیب در یک‌سو، موسیقی هم یک صنعت پول‌ساز است و هم یک حوزه فرهنگی مهم برای ملت‌ها که مورد پاسداشت و نگهداری قرار می‌گیرد، اما در ایران، یک اقتصاد کوچک است که در عرصه فرهنگی، سیاست‌های کنترلی بر آن حاکم است و در عرصه تولید نیز با نگاه سودجویانه و درآمدزا برای نوع خاصی از موسیقی (موسیقی عامه‌پسند) مواجهیم. برای توضیح این منطق متفاوت سیاستی، در این بخش، مقایسه‌ای تطبیقی و توصیفی بین سیاست‌های موسیقی ایران با سه کشور فرانسه، انگلیس و ترکیه انجام شده و سپس تحلیلی تطبیقی بر پایه بررسی‌های صورت گرفته ارائه شده است.

### سیاست‌های موسیقی فرانسه

اصول سیاست‌گذاری موسیقی در کشور فرانسه<sup>۱</sup>، که بخشی از وظایف حاکمیتی وزارت فرهنگ و ارتباطات این کشور است، بر مبنای حفظ و نگهداری از میراث موسیقی، انتقال و دموکراتیزه شدن موسیقی و فعالیت‌های مرتبط با آن ترسیم شده است. به‌طور کلی این سند بسیار حمایتی است. نقش دولت به‌عنوان تنظیم‌کننده<sup>۲</sup> تعریف شده و مأموریت آن حمایت از تولیدکنندگان و تولیدات موسیقایی در بخش‌های مختلف است. قوانین مالیاتی این کشور نیز پشتوانه مالی مناسبی را برای حمایت از سیاست‌های تشویقی و حمایتی فراهم آورده است؛ مطابق این قوانین، ۲۵ درصد از مالیات

1. <http://www.coalitionfrancaise.org/wp-content/uploads/2013/11/Cultural-policies-in-France.pdf>

2. Regulatory

دریافتی از این صنعت برای آموزش و حمایت از استعداد‌های نو و یا افرادی که اولین کار حرفه‌ای خود را روانه بازار می‌کنند و هنوز به این بازار معرفی نشده‌اند صرف می‌شود. ۶۵ درصد از این مالیات دریافتی نیز به نسبت درآمدزایی هریک از شاخه‌های موسیقیایی برای ارائه خدمات بیشتر و توسعه آن صرف می‌شود. سیاست حمایتی این کشور شامل برنامه‌های زیر می‌شود:

- حمایت از پژوهش‌های مرتبط
- ایجاد بانک اطلاعاتی و فراهم آوردن منابع
- حمایت از هنرمندان و گروه‌های هنری ساکن فرانسه که به‌تازگی فعالیت خود را آغاز کرده‌اند (این حمایت‌ها شامل کمک‌های مالی و حقوقی، تسهیل و ترویج، انتشار رایگان آثار اول، آموزش و مشاوره مدیریتی است).
- توزیع مناسب حمایت‌ها در سراسر کشور (مناطق دور از دسترس و رویدادهای موسیقی محلی)
- شبکه ساختاری توزیع مناسب

یکی از نکات قابل توجه در این سیاست‌ها توجه ویژه به مسائل حقوقی و حق مؤلف است که مورد حمایت جدی دولت قرار دارد. حق مؤلف به دو صورت تعریف می‌شود؛ حقوق اخلاقی صاحب اثر که دائمی و غیرقابل واگذاری است و حقوق مادی که مربوط به بهره‌برداری از اثر و قابل واگذاری است. قوانین محکمی در فرانسه در مورد حقوق مؤلف و ممنوعیت خروج آن از کشور وجود دارد. علاوه بر این، در این کشور نوعی حق مؤلف با عنوان حق مجاورت/مشارکت تعریف شده است، بدین معنا که همه افرادی که در تهیه اثر از جمله نوازندگی سازهای موسیقی، تهیه کلیپ‌ها و سایر موارد مؤثر در اثر مشارکت داشته‌اند مشمول حقوق مادی و معنوی مؤلف می‌شوند.

### سیاست‌های موسیقی انگلیس

«شورای هنر انگلیس<sup>۲</sup> به‌عنوان مؤسسه ملی توسعه هنر فعالیت می‌کند.

1. Neighboring Rights

2. Arts Council England (ACE)

وظیفه اصلی این شورا حمایت، هدایت و نظارت بر فعالیتهای هنری و توسعه آن است. این شورا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ دو میلیارد پوند برای توسعه و ارتقای هنر در انگلیس سرمایه گذاری کرده است. در سال ۲۰۰۲، ساختار و وظایف این شورا دستخوش تحول اساسی شد. یکی از پیامدهای ناشی از این تحولات توجه بیشتر به هنرمندان بود. تا پیش از آن، صرفاً از مؤسسه‌های هنری حمایت مالی می‌شد. هم‌اکنون دامنه حمایت‌ها به هنرمندان منفرد نیز گسترش یافته است. این حمایت‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ارائه می‌شوند. حمایت‌های مستقیم در قالب آموزش، تسهیلات قانونی یا فراهم کردن زمینه‌های رشد اقتصادی هنرمندان ارائه می‌شود. حمایت‌های غیرمستقیم نیز به صورت کمک‌های مالی و سرمایه گذاری، تأمین محل فعالیت، تأمین تجهیزات و کمک به مبادلات هنری بین‌المللی ارائه می‌شود» (صدرنوری و همافر، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

صنعت موسیقی این کشور سالانه حدود ۵ میلیارد یورو گردش مالی دارد که بیش از هر زمان دیگری در تاریخ این کشور انواع متنوع ژانرهای موسیقایی و نیز محصولات متنوع مصرف فرهنگی مرتبط با موسیقی را شامل می‌شود. افزایش سهم کشور از بازارهای جهانی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست‌های این حوزه دنبال می‌شود که از طریق توسعه صنعت موسیقی حاصل می‌شود.

توسعه صنعت موسیقی نیز در گرو بهبود و استمرار وضعیت آموزش و نیز حمایت از فعالیت گروه‌های نوین، استعدادهای خلاق و افراد کم‌درآمد در زمینه موسیقی و اجرای آن است. بنابراین، دولت اقدامات گسترده‌ای در زمینه آموزش حرفه‌ای سطح بالا برای پرورش موسیقی‌دان‌هایی با توانایی بالا در همه رشته‌ها، حمایت از استعدادهای جدید برای ایجاد یک نسل جدید توانمند و پرانگیزه انجام می‌دهد.

علاوه بر موضوع حمایت از تولید موسیقی و پرورش استعدادها، سند موسیقی شورای هنر انگلیس را به‌عنوان یک تعهد اجتماعی برای دولت



در راستای ایجاد یک جامعه بانشاط و باکیفیت بالای زندگی در نظر گرفته است. در نهایت، نقش این شورا به عنوان تسهیلگر<sup>۱</sup> تعریف شده است که با هدف تغییر یا رشد در عرصه موسیقی در نقش سرمایه گذار یا واسطه برای سرمایه گذاری بخش خصوصی ظاهر می شود. دو هدف اصلی در راستای حمایت از تولیدکننده و حمایت از مصرف کننده در زمینه موسیقی نیز برای آن تعریف شده است: (۱) فراهم سازی امکان دسترسی به تجربه مصرف بهترین موسیقی کشور و جهان برای شهروندان انگلیسی در هر کجایی که زندگی می کنند و (۲) حمایت از شرکت های موسیقی با اهداف کارآفرینی، رشد اقتصادی و مبتنی بر نیازهای امروز صنعت موسیقی.

### سیاست های موسیقی ترکیه

گزارش ملی سیاست فرهنگی کشور ترکیه در سال ۲۰۱۳ برای ارائه به اتحادیه اروپا تنظیم و منتشر شده است.<sup>۲</sup> در این سند، کشور ترکیه خود را مدیون تحولاتی مدرن می داند که با تأسیس و گسترش شرکت های تولید و پخش موسیقی از ابتدای قرن بیستم، به تحول گسترده و رشد اقتصادی این صنعت منجر شد. دیدگاه این سند در راستای ایده صنعت فرهنگ و اقتصاد مرتبط با آن است. در کشور ترکیه، سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون نسخه آلبوم داخلی و خارجی به فروش می رسد.

دولت ترکیه، در راستای سیاست های درآمدزای فرهنگی، حمایت هایی را نیز از این صنعت انجام می دهد؛ از جمله این سیاست ها سرمایه گذاری در بخش رادیو و تلویزیون در زمینه موسیقی و آشنایی عمومی با آن است. استخدام هنرمندان، تشویق سرمایه گذاران، ایجاد قوانین ساده و اختصاص بودجه مستقیم برای توسعه موسیقی نیز از جمله این اقدامات است. شیوه های حمایتی دیگر عبارت اند از:

- اختصاص منابع مستقیم توسط دولت به وزارت فرهنگ و گردشگری به منظور سرمایه گذاری در زمینه موسیقی

1. Catalyzt

2. [https://ec.europa.eu/neighbourhood-enlargement/sites/near/files/pdf/key\\_documents/2015/20151110\\_report\\_turkey.pdf](https://ec.europa.eu/neighbourhood-enlargement/sites/near/files/pdf/key_documents/2015/20151110_report_turkey.pdf)

- اختصاص یک درصد از مالیات صاحبان املاک در کشور به حفظ میراث فرهنگی همان منطقه
- اعطای جوایز اعتباری و مشوق‌ها برای حمایت از هنرمندان توسط وزارت فرهنگ و گردشگری
- اجرای برنامه‌هایی برای ترویج سرمایه‌گذاری فرهنگ

در نتیجه اجرای این سیاست‌ها، به استناد گزارش شرکت Music Ally که ناظر بر وضعیت صنعت موسیقی در کشورهاست، در سال ۲۰۱۷، رشد پخش موسیقی آنلاین در ترکیه از همه کشورهای اروپا بیشتر بوده است. این افزایش ۹۶/۴ درصد بوده، در حالی که اتریش با رشد ۶۴ درصدی در رتبه بعدی قرار دارد. درآمد صنعت موسیقی ترکیه در سال ۲۰۱۷ رشد ۳۱/۷ درصدی و در سال ۲۰۱۶ رشد ۲۵/۸ درصدی را تجربه کرده است. بیشتر این درآمد حاصل از پخش اشتراکی آنلاین موسیقی در پلتفرم‌های قانونی بوده است. این درآمد در سال ۲۰۱۶، ۱۱/۴۶ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۷، ۲۳/۴۶ میلیون دلار بوده است. مجموع درآمد ترکیه از پخش آنلاین موسیقی به ۳۰/۳۷ میلیون دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است. پیش‌بینی سازمان نشر موسیقی ترکیه‌ای برای این بازار رشد ۲۵ درصدی در سال ۲۰۱۸ است (Music Ally, 2019).

#### تحلیل تطبیقی سیاست‌های فرهنگی ایران و نمونه‌های مورد بررسی

در یک نگاه کلی، برای مقایسه سیاست‌های کشور ما با سایر کشورهای جهان باید از تفاوت در منطق سیاستی این عرصه سخن گفت. در همه کشورهای جهان که عضوی از صنعت بزرگ موسیقی جهان هستند، سیاست فرهنگی عرصه موسیقی در حمایت از آثار کلاسیک، سنتی و غیراقتصادی از یک سو و از سوی دیگر در عرصه موسیقی پاپ و انواع دیگر موسیقی درآمدزا، به کسب سهم جهانی در رقابت با سایر کشورها می‌اندیشند. در قیاس با چنین منطقی، عرصه موسیقی ایران راهی بسیار متفاوت را طی می‌کند.

سیاست‌های کلی موسیقایی در کشورهای جهان در طیفی از دیدگاه

اقتصادی صرف به آن و دیدگاه حمایت از میراث موسیقایی پیشینیان، با ارزش و یا نوآورانه که لزوماً سودده نیستند گسترده شده‌اند. بر اساس این جایگاه، کشورهای اروپایی با توجه به درآمد بالای خود از صنعت موسیقی به موضوع اشاعه، آموزش و ترویج و حمایت از استعداد های خلاق و نوپدید توجه بیشتری نشان می‌دهند و کشورهای در حال توسعه، مانند ترکیه، سرمایه‌گذاری بیشتری بر موسیقی درآمدزا انجام می‌دهند، اگرچه برنامه‌های حمایتی متنوعی نیز برای بخش‌های غیراقتصادی، آموزشی و نوآورانه دارند. در سه حوزه مشخص، تفاوت سیاست‌های فرهنگی در زمینه موسیقی به وضوح قابل مشاهده است:

### سیاست‌های اقتصادی

برخلاف نمونه‌های مورد بررسی در سایر کشورهای جهان که منافع اقتصادی زیادی از جایگاه موسیقی نصیب خود می‌کنند، فرصت‌های شغلی بسیاری را ایجاد کرده و سیاست‌های سند موسیقی خود را در راستای توسعه اقتصادی این بخش تنظیم کرده‌اند؛ در ایران، جایگاه صنعت و درآمدزایی اقتصادی موسیقی به خوبی درک نشده است. در حالی که در کشورهای پیشرو، صنعت موسیقی بخشی از منابع مالی دولت را تأمین می‌کند، در ایران، مخاطرات حقوقی و سیاست‌های کنترلی مانع از رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آن شده است و این بخش همچنان چشم به راه کمک‌های دولتی است. همچنین بودجه بخش دولتی نیز مقدار ناچیزی را حتی نسبت به سایر هزینه‌های دولتی در بخش فرهنگ در برمی‌گیرد. بررسی‌های انجام‌شده و تجربیات فعالان حوزه موسیقی نشان می‌دهد که اساساً نگاه دولت به موضوع حمایت از موسیقی تنها به اعطای مجوزها محدود می‌شود و برنامه اقتصادی برای حمایت، سرمایه‌گذاری و بهره‌وری اقتصادی متصور نیست.

### سیاست‌های حقوقی

قوانین جاری در کشورهای مورد بررسی در موضوع حق مؤلف با استناد به دیدگاه حمایت صنفی و اخلاقی از هنرمندان صورت می‌گیرد و با جدیت دنبال

می‌شود، درحالی‌که در کشور ما، مسائل حقوقی پیرامون صنعت موسیقی کشور مربوط به منع‌های موجود در زمینه اعطای مجوزها بوده و با رویکرد کنترلی اقدام به محدودسازی می‌شود. درعین‌حال حقوق مکتسبه هنرمندان و مؤلفان آثار موسیقی تقریباً از هیچ پشتوانه قضایی برخوردار نیست. درحالی‌که صداوسیما به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد نقض‌کننده این حقوق قلمداد می‌شود و هیچ نهاد قضایی متعرض این نقض گسترده حقوق افراد نمی‌شود. در چنین شرایطی بدیهی است که سایر فضاها، نشر، مانند سایت‌های اینترنتی که کمتر امکان نظارت بر آن‌ها وجود دارد، تعهدی برای خود قائل نیستند.

#### حضور در عرصه بین‌المللی

در اسناد مورد بررسی در کشورهای انگلیس، فرانسه و ترکیه، حضور در جایگاه بین‌المللی، کسب سهم از بازارهای جهانی و انتقال تجربیات بین‌المللی به‌عنوان مبنای توسعه این صنعت در نظر گرفته می‌شود، درحالی‌که در کشور ما به دلیل عدم پذیرش عناصر فرهنگی بیگانه و وجود منع‌های شرعی، ارتباط بین‌المللی در عرصه موسیقی تنها به اجرای کنسرت‌های غالباً یا تماماً پاپ خارجی محدود می‌شود. برخی پلتفرم‌های خصوصی نیز آثار موسیقی ایرانی را در جهان منتشر کرده و به فروش می‌رسانند که سهم ناچیز و نزدیک به صفر در عرصه صنعت موسیقی جهانی را به خود اختصاص می‌دهند.

#### دورویداد سال ۱۳۹۸ و توصیف وضعیت موسیقی کشور

در مصاحبه با برخی از اهالی شاخص موسیقی ایران از آنان پرسیده شده سال گذشته را در عرصه موسیقی چگونه به یاد می‌آورند و این جمله مطلع سخنان اکثریت آن‌ها بود: «سال ۱۳۹۸ در عرصه موسیقی کشور به‌مانند سایر سال‌های گذشته بود، وضعیت بد است و اصلاحی هم در آن قابل تصور نیست». این گزاره عصاره آسیب‌شناسی وضعیت موسیقی است که براساس رویدادهای شاخص یک سال صورت می‌گیرد. روندهای جاری در حوزه موسیقی کشور در حوزه‌های اقتصاد، آموزش، سازمان‌ها و نهادهای سیاست‌گذاری موسیقی، مصرف موسیقی و فقه و موسیقی

در این گزارش با بررسی دو نمونه موردی مطرح می‌شود. از آنجایی که بر اساس ایده امتداد روندهای موجود، تغییر ملموسی در سیاست‌های موسیقی کشور شاهد نبوده‌ایم، دو رویداد شاخص سال ۹۸ را محور توصیف روندهایی قرار داده‌ایم که وقوع این رویدادها را موجب شده‌اند. بدین ترتیب در بررسی موضوع لایحه سهم دولت از اجراهای صحنه‌ای موسیقی، روندهای مربوط به ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در نهادهای مسئول موسیقی کشور و وضعیت اقتصاد موسیقی توصیف شده‌اند و در بررسی پدیده همخوانی فراگیر آهنگ ساسی مانکن در مدارس کشور، وضعیت آموزش همگانی موسیقی، سواد موسیقایی و تأثیرات فرهنگی آن بررسی شده و روندهای موجود مورد نقد قرار گرفته است. علل بنیادین روندهای موجود نیز در بخش جداگانه‌ای مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

### *حواشی پیرامون قانون اخذ مالیات از اجراهای صحنه‌ای*

۴ اسفند ۱۳۹۷، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی بودجه سال ۹۸ کل کشور، با بند (م) تبصره ۹ ماده واحده این لایحه موافقت کردند. بر اساس بند الحاقی م تبصره ۹ ماده واحده لایحه بودجه سال ۹۸ کل کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است ۱۰ درصد بهای بلیت اجراهای صحنه‌ای (کنسرت) در تهران و کلان‌شهرها را اخذ و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند. معادل درآمد حاصل از محل ردیف هزینه‌ای مربوط به سامان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی و هنری، تعمیر، تجهیز و اداره مجتمع‌های فرهنگی و هنری شهرستان‌ها غیر از مراکز استان اختصاص می‌یابد. این مصوبه به پرچالش‌ترین رویداد سال ۱۳۹۸ تبدیل شد که در عین حال نمایی از رابطه دولت با بخش موسیقی را نیز ترسیم می‌کند. بررسی ابعاد مختلف این رویداد به معنای بررسی آسیب‌های معتابه آن است:

### *نارسایی ارتباط و نمایندگی میان دولت و نخبگان*

مدتی پس از تصویب قانون مذکور، امیرعباس ستایشگر، تهیه‌کننده و ناشر موسیقی، در نامه‌ای خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به نقد شیوه

مدیریت و تعامل او با اهالی موسیقی پرداخت.<sup>۱</sup> در این نامه، او از نقش دولت در تصویب این لایحه بدون آنکه در مورد تأثیرات آن با ذی‌نفعان مشورت شده باشد و در مورد انتصابات که مربوط به عزم مدیران برای اجرای این لایحه با وجود مخالفت‌های فراوان بود سخن می‌گوید. این نامه نشانه‌های بسیاری در توصیف رابطه نظام حکمرانی با نخبگان و ذی‌نفعان این حوزه دارد.

در طی دهه‌های گذشته، دولت در فرایندی بوروکراتیک و سیاسی به حذف ذی‌نفعان حوزه موسیقی از فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی پرداخته است. تقی‌زادگان، در مصاحبه با نخبگان، دغدغه‌های آنان را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند:

مشکل بارز در بخش غیردولتی در سازمان‌دهی نمایندگی اهالی موسیقی در بخش دولتی و خصوصی است. برخی معتقدند شوراهای موسیقی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی غیر دموکراتیک است و افراد ثابتی که سال‌های متمادی در این شوراها هستند نمایندگان تنها بخشی از اهالی موسیقی‌اند. این مسئله به تصمیم‌گیری‌های غیر کارشناسی در شوراها نیز منجر می‌شود، به این دلیل که فرضاً شخصی که تخصص موسیقی کلاسیک دارد درباره شعر و موسیقی پاپ نیز اعمال‌نظر می‌کند. مشکلات بوروکراتیک در بخش غیردولتی نیز هست. در خانه موسیقی اگرچه سازوکار انتخابات برای تعیین مدیران خانه به کار گرفته می‌شود، اما ظاهراً فراوانی بالای اعضای غیرحرفه‌ای در بدنه سازمان و احتمالاً دشواری شرکت در انتخابات توسط

۱. در بخشی از این نامه، این‌گونه آمده است: «آقای دکتر صالحی، آیا خبر دارید که این لایحه را خود وزارت ارشاد به مجلس برده تا از کسرت‌ها پول بگیرد و در مناطق محروم هزینه کند؟ آیا خبر دارید کمیسیون فرهنگی با این موضوع مخالف بوده و با پافشاری وزارت ارشاد این طرح در کمیسیون تلفیق رأی آورده؟ آیا خبر دارید در درون وزارت ارشاد دودستگی بی‌تعادلی وجود دارد که تکلیف کار بدون آیین‌نامه هنوز سرگردان است؟ آیا خبر دارید که مدیرکل دفتر موسیقی (تنها مخالف این طرح در دولت) مجبور به استعفا شده است؟ مدیرکلی که با پافشاری معاون هنری منصوبتان و با مخالفت اکثر ناشران موسیقی به میدان آمد اما امروز (بعد از یک سال) به خاطر فشارهای مدیریتی دست از حمایت او برداشته‌اید و یک مدیر را قربانی معاونت هنری می‌کنید. می‌خواهند تنها مدیری که با این موضوع مرتبط و مخالف است را از گردونه خارج کنند که بدون مانع کار را پیش ببرند. معاونینتان حتی به مدیران کل خود رحم نمی‌کنند چه رسد به ما» (خبرگزاری ایلنا، ۱۳۹۸/۲/۳۰). قابل دسترس در:

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-765395>

اعضای مقیم استان‌های کشور غیر از تهران مانع از آن شده است که این خانه کانونی برای اکثریت «اهالی حرفه‌ای» موسیقی باشد. در نتیجه آن، گردش نخبگانی که می‌تواند در یک سازمان دموکراتیک رخ دهد در این سازمان دچار مشکل است. البته شاید برخی مشکلات در بخش غیردولتی ریشه در بخش دولتی داشته باشند (تقی‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۹).

با گذشت زمان و عدم اصلاح یا تغییر جدی در مسیر مشارکت نخبگان در حوزه سیاست‌گذاری، شاهد برآمدن قانونی هستیم که موجب خشم و اعتراض زیادی از سوی این نخبگان نه فقط به لایحه مذکور که به کل ساختار دفتر موسیقی می‌شود و در نهایت اجرای این قانون را با مشکلات گسترده مواجه می‌کند. این نحوه تصمیم‌گیری و مشکلات پدیدآمده را می‌توان به کل نظام سیاست‌گذاری موسیقی تعمیم داد. این نظام موفق نشده تاکنون در موارد مهمی که نیاز به شفافیت و تعیین تکلیف جدی دارند مانند چندگانگی حاکمیتی در اعطای مجوز و اجازه اجرای نهایی یا تعیین شاخص‌های تمایز غنا از موسیقی نزد مقامات عالی موفقیتی کسب کند. در این حال، صرف وقت و انرژی برای مصوبه‌ای قانونی که نیاز واقعی نخبگان موسیقی در آن منظور نمی‌شود نشان‌دهنده نارسایی جدی در ارتباط میان سیاست‌گذاران و نخبگان در نظام حکمرانی موسیقی است.

### حمایت غیر تخصصی از موسیقی

نمایندگان مجلس<sup>۱</sup> و دولت در دفاع از تصویب لایحه ده درصد بهای بلیت

۱. احد آزادی‌خواه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در مورد دلایل موافقت مجلس با این قانون می‌گوید: «بر اساس این بند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است ۱۰ درصد بهای بلیت اجراهای صحنه‌ای (کنسرت) در تهران و کلان‌شهرها را دریافت و به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند. این پیشنهاد از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با نظرخواهی از اهالی موسیقی ارائه شد و مقاصد هزینه‌ای دارد که به توسعه فرهنگ و هنر این مرز و بوم کمک می‌کند. بر اساس بخش هزینه‌ای همین بند الحاقی مقرر است درآمد ناشی از این محل برای ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی و هنری تعمیر، تجهیز و اداره مجتمع‌های فرهنگی و هنری شهرستان‌ها غیر از مراکز استان‌ها اختصاص یابد. با این تصمیم از حداقل آورده در حوزه موسیقی حداکثر عایدی در این حوزه حاصل خواهد شد، وی اضافه کرد: ۱۰ درصد کسر شده از بهای بلیت اجراهای صحنه‌ای (کنسرت) در عمل چیزی نخواهد بود ولی وقتی این رقم در خزانه‌داری کل کشور تجمیع و در محلی هزینه شود، اثر خود را نشان می‌دهد. مجلس می‌توانست برای توسعه فرهنگی و هنری تعمیر، تجهیز و اداره مجتمع‌های فرهنگی و هنری

اجراهای صحنه‌ای گفته‌اند که این امر در جهت حمایت از صنعت موسیقی در بخش‌هایی که نیاز بیشتری به حمایت دارند تصویب شده است. مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در دفاع از این طرح از نیاز به بودجه برای حمایت از هنرمندان شهرستان‌های غیر از مراکز استان‌ها در سراسر کشور گفتند و تأکید کردند که این بودجه به امور جاری وزارتخانه تخصیص نخواهد یافت.<sup>۱</sup>

مشکل اینجاست که مسئولان دولتی تأمین بودجه آن‌هم سهم فعالان این حوزه را برای حمایت از موسیقی شهرهای دور از مرکز مطرح می‌کنند درحالی‌که اهالی موسیقی این ایده و راهکار مدنظر را غیرتخصصی می‌دانند و بر این باورند که حتی در صورت تحقق این امر، چنین حمایتی از موسیقی کشور کمکی به این حوزه نکرده و حتی می‌تواند موجب آسیب‌های بیشتری نیز شود، زیرا اساساً عرصه درآمدزا و غیر درآمدزای موسیقی را نمی‌توان منطبق بر موقعیت جغرافیایی آن در تهران و شهرستان دانست و بیش از این، تقسیم جغرافیایی تقسیمی مبتنی بر نوع موسیقی است. این نوع سیاست‌گذاری مشخصاً غیرتخصصی است و نشان از آسیبی جدی در حوزه موسیقی دارد و آن‌هم عدم پشتوانه تخصصی از نظر دانش و تجربه درمورد تصمیمات مهم و

---

شهرستان‌ها دو اقدام انجام دهد یا از محل سود شرکت‌ها درصدی برای این مهم در نظر گیرد که تجربه چندین ساله ما در بودجه‌نویسی حاکی از این است که این درآمد محقق نشده و تخصیص پیدا نمی‌کند به همین دلیل به این پیشنهاد در کمیسیون فرهنگی و کمیسیون تلفیق بودجه رأی مثبت داده شد. در صورت اجرای درست این قانون از سوی مجری تعیین شده در قانون یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اهالی موسیقی نخستین گروهی خواهند بود که از اجرای این تبصره قانونی دفاع خواهند کرد» (خبرگزاری خانه ملت، ۱۳۹۷/۱۲/۵).

[www.icana.ir/Fa/News/419250](http://www.icana.ir/Fa/News/419250)

۱. علی اصغر کاراندیش معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: «پس از تصویب این قانون در کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی و همچنین بعد از آن در جلسه‌ای که با شرکت‌های کنسرت‌گذار برگزار شد توضیحات کافی را بیان کردم و گفته‌ام که این مصوبه در راستای حمایت از هنرمندان شهرستان‌های غیر از مراکز استان در سراسر کشور است و این درآمد به هیچ‌وجه برای حقوق و مزایای کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تجهیزات اداری و... هزینه نخواهد شد و کل این مبلغ، حدود یک تا دو درصد، اعتبار وزارتخانه است و لذا وزارتخانه جهت امور جاری و فعالیت‌های متداول خود نیازی به این مبلغ ندارد بلکه فقط در جهت حمایت از هنرمندان و اهالی فرهنگ و هنر شهرستان‌ها است» (خبرگزاری برنا، ۱۳۹۸/۴/۵):

<https://www.borna.news/fa/tiny/news-862956>



تأثیرگذاری است که در این حوزه گرفته می‌شوند و به همین دلیل، نه تنها در جهت حمایت از موسیقی نواحی، سنتی و کلاسیک نبوده است، که علی‌رغم صرف بودجه‌هایی در این زمینه، با گذشت زمان به نابودی این انواع موسیقی از یک سو و جذابیت سرمایه‌گذاری در موسیقی پاپ (که خود آسیب جدی دیگری برای موسیقی کشور است) منجر می‌شود.

### علیه مصرف‌ارزان و همگانی موسیقی در سالن‌های اجرا

برخی مسئولان دولتی و غیردولتی عدم همگانی بودن مصرف موسیقی صحنه‌ای و اختصاص آن به طبقه متمول را دلیلی برای عدم حساسیت جامعه به گران شدن آن می‌دانند و از این رو، آستانه تحمل و تطبیق با گرانی آن را بالا می‌دانند.<sup>۱</sup> این تحلیل صرفاً اقتصادی اما به نظر برخی دیگر به حذف گروه‌های با درآمد متوسط و کمتر می‌انجامد که بودجه شرکت در کنسرت‌ها را به‌سختی تأمین می‌کنند و از سوی دیگر، این ایده مخالف ایده هنر برای همه و کنسرت‌های ارزان برای مصرف اکثریت جامعه است.<sup>۲</sup> در این مناقشه، دو آسیب اصلی اقتصاد موسیقی کشور را می‌توان بدین شرح شناسایی کرد: عدم تعهد دولت به مصرف موسیقی با کیفیت به صورت همگانی و تلاش برای درآمدزایی از نوع خاص موسیقی درآمدزا (موسیقی پاپ و تلفیقی) که

۱. علی‌اصغر کاراندیش، معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: «معمولاً برگزارکنندگان کنسرت و کسانی که بلیت‌های گران‌قیمت کنسرت‌ها را خریداری می‌کنند از افراد متمول جامعه هستند، بنابراین درصد بسیار کمی از افراد جامعه مخاطب کنسرت‌های موسیقی‌اند، لذا واریز این ۱۰ درصد نه فشار به مصرف‌کننده‌ها و خریدار بلیت‌هاست و نه برگزارکنندگان کنسرت» (علی‌نعیمی، ۱۳۹۸).

۲. محمد معتمدی، خواننده: «نرخ بالای بلیت کنسرت در ایران سال‌هاست مورد انتقاد و اعتراض مخاطبان این هنر بوده و است؛ مخاطبانی که به این هزینه هنگفت عادت نکرده‌اند و برایشان سیر صعودی و بالا رفتن روزانه نرخ بلیت‌های کنسرت‌ها به یک کابوس همیشگی بدل شده است؛ نرخی‌هایی که با خدمات ارائه‌شده تناسب ندارد و امتیاز خاص آن فقط صدا و تصویر زنده خواننده است. اگرچه در برخی کنسرت‌ها فاصله تماشاگر با صحنه اصلی کنسرت آن‌چنان زیاد و زاویه‌دار است که صدا و تصویر را باید از مانیتور دید و تماشای کنسرت برای آن دسته از مخاطبان این کنسرت‌ها با تماشای آلبوم‌های موسیقی خوانندگان تفاوتی ندارد. این موضوع یکی دیگر از مشکلات اصلی مخاطبان کنسرت‌هاست... مدت‌هاست در تلاش بودیم تا با طرحی به نام هنر برای همه بهای بلیت کنسرت را به پایین‌ترین حد ممکن برسانیم تا بخش کم‌درآمد جامعه توان رفتن به کنسرت‌های خوب را پیدا کنند که هم دلشان شاد شود و هم پدیده شوم تبعیض کم‌رنگ‌تر شود، ولی شنیدم نمایندگان محترم مجلس قانونی تصویب کرده‌اند که عملکرد معکوس دارد، یعنی بهای بلیت کنسرت‌ها را افزایش می‌دهد» (همان).

در نهایت به ایجاد شکاف طبقاتی در مصرف موسیقی انجامیده و از سوی دیگر، حمایت از سایر انواع موسیقی غیر درآمدزا و به لحاظ فرهنگی با اهمیت مانند موسیقی سنتی، نواحی و کلاسیک را بلا موضوع می‌سازد.

فقدان زیرساخت‌های مناسب برای رشد صنعت موسیقی در کشور که ثمرات آن با سیاست‌گذاری مناسب به سایر بخش‌های فرهنگی در عرصه موسیقی و سایر سیاست‌های فرهنگی کشور رسوخ یابد.

تقی‌زادگان و همکارانش به تفصیل به ابعاد موضوع دوم پرداخته‌اند:

«سالن‌های کنسرت در تهران محدود و در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور ناموجود است. از این رو کنسرت در این شهرها در سالن‌های چند منظوره برگزار می‌شود. همچنین بسیاری سالن‌های مناسب کنسرت در تهران که متعلق به سازمان‌های دولتی و عمومی‌اند در اختیار کنسرت‌گذارها قرار نمی‌گیرند. سالن‌های فرهنگسراهای تهران نیز چند سالی است که به روی گروه‌های موسیقی بسته شده یا به‌ندرت به کنسرت‌ها داده می‌شوند. گذشته از این‌ها، تجهیزات صوتی بیشتر سالن‌ها کهنه و کم کیفیت است و با همه این‌ها اجاره‌بهای سالن‌ها بالاست. به‌حدی که گفته می‌شود اجاره‌بهای سالن در ایران حدود دو برابر آمریکا و اروپاست» (تقی‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۳).

همچنین عدم استفاده از سالن‌های در اختیار برخی سازمان‌های دولتی و عمومی در تهران و شهرهای دیگر نیز به‌عنوان یکی از عوامل کمبود و گرانی سالن بر شمرده می‌شود:

مثلاً وزارت نفت، دانشگاه تهران، حوزه هنری و شهرداری تهران سالن‌هایی مناسب کنسرت دارند که به بازار کنسرت عرضه نمی‌کنند. در این میان، تصمیم شهرداری تهران مبنی بر خارج کردن سالن‌های پُرشمار فرهنگسراها از بازار تأثیر زیادی بر محدود شدن عرضه موسیقی زنده در این شهر داشته است. شهرداری تهران از ابتدای دهه ۱۳۷۰ شروع به ساخت فرهنگسراهایی در نقاط مختلف تهران کرده بود. فرهنگسرای بهمن که در ابتدای دهه ۱۳۷۰ در جنوب تهران

ساخته شد شروع و نقطه عطفی در توسعه حلقه مخاطبان موسیقی زنده بود. سپس در همان نیمه نخست دهه هفتاد فرهنگسرای خاوران در جنوب شرقی تهران احداث شد. این فرهنگسرا نیز تا سال‌ها محلی بود برای اجراهای صحنه‌ای ارزان قیمت. ساخت فرهنگسراها در تهران طی دو دهه امکانات فیزیکی این شهر را برای اجرای کنسرت‌ها افزایش داد، اما از سال ۱۳۸۹ سالن‌های متعلق به شهرداری کمتر در اختیار گروه‌های موسیقی قرار می‌گیرد (آزاده‌فر، ۱۳۹۰: ۳۷۲).

در مورد اجاره‌بهای سالن‌های اجرای موسیقی به دو مسئله اصلی می‌توان اشاره کرد: اول اینکه، اجاره‌بهای سالن‌ها حتی در مقایسه با قیمت‌های جهانی بسیار گران است (تقی‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۲). دوم اینکه، همین سالن‌های کم و محدود به صورت غیر شفاف و رانتی در اختیار تهیه‌کننده‌ها قرار می‌گیرند. «سالن‌های موسیقی در تهران زیر نظر نهادهای مختلف اداره می‌شوند و بخش خصوصی هیچ دخالتی در آن ندارد. به همین دلیل و با توجه به کمبود سالن استاندارد اجرای زنده در پایتخت و فضای مونوپل برخی سالن‌ها که تنها با برخی تهیه‌کننده‌ها و برگزارکنندگان کنسرت همکاری دارند، تعرفه قیمت سالن‌ها به شکل قابل توجهی گران است»<sup>۱</sup>. گران بودن اجاره‌بهای سالن‌های کنسرت و عدم حمایت‌های مالی از هنرمندان و تهیه‌کنندگان در بخش‌های غیرسودده هم این اجراها را به خودتنظیم‌گری بازار حواله می‌دهد و از کیفیت آثار می‌کاهد و هم این نوع مصرف فرهنگی را از دسترس عموم مردم خارج ساخته و بیش‌ازپیش، خصلت طبقاتی به آن می‌بخشد. از سوی دیگر، سیاست اخذ هزینه بیشتر از یک بخش و تخصیص آن به حمایت از موسیقی غیرتجاری نیز مدون و شفاف نبوده و به صورت موردی اعمال می‌شود. بدین ترتیب اگرچه افزایش هزینه اثرات پایداری دارد، اما اثربخشی حمایت‌های موردنظر و اعمال آن مقطعی و ناپایدار است. برای مثال در سال ۱۳۹۸، نامه‌ای از سوی مجمع صنفی تولیدکنندگان آثار موسیقی و شنیداری منتشر شد که در آن به اجاره‌بهای گران مرکز همایش‌های برج میلاد

1. <https://www.farsnews.ir/news/13970203000595>

اشاره و اعلام شد که اگر مسئولان برج میلاد قیمت‌ها را کاهش ندهند، برگزاری کنسرت‌ها در سالن برج میلاد را تحریم می‌کنند. مدیرعامل این مجموعه در پاسخ، با بیان اینکه موسیقی هنر مردمی است و باید در دسترس عموم شهروندان قرار گیرد، می‌گوید تخفیف‌هایی که پیش از این وجود داشته در حال حاضر به صورت هدفمند صرفاً در خدمت موسیقی‌های کلاسیک، فاخر، اصیل ایرانی و برگزارکنندگانی که نگاه تجاری به هنر موسیقی ندارند قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### لغو قانون؛ آشفته‌گی سیاست‌گذاری

آشفته‌گی در سیاست‌گذاری عرصه موسیقی، که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فرهنگی کشور است، در همه سال‌ها و دهه‌های گذشته گریبان‌گیر فعالان این عرصه بوده است. در نمونه رویداد مورد بررسی در سال ۱۳۹۸ که تعیین سهم و مالیات برای دولت از محل برگزاری کنسرت‌ها بود، این آشفته‌گی به‌خوبی آشکار شده است. این آشفته‌گی‌ها در موارد زیر به صورت خلاصه آمده است: ایده دولت در این باره به مجلس ارائه می‌شود، اما هم‌زمان از سوی بخش خصوصی و صنف موسیقی مورد حمله قرار می‌گیرد، سیاست‌گذاری در این زمینه بدون حضور نمایندگان صنفی و چهره‌های مطرح فرهنگی صورت می‌گیرد. در درون دولت، کسی مسئولیت چنین تصمیمی را بر عهده نمی‌گیرد. مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آن زمان درباره تصویب قانون اخذ ۱۰ درصد از اجراهای صحنه‌ای گفته بود: «این قانون مصوب مجلس و لازم‌الاجراست و من در موقعیتی نیستم که درباره خوب و بد آن نظر بدهم؛ ما فقط در مقام مجری عمل می‌کنیم».<sup>۲</sup> بدین ترتیب، مسئولیت تصمیم‌گیری از حیطه مرتبط آن در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سلب می‌شود.

ابهامات اجرایی راه را بر ضمانت اجرا می‌بندد. هدف طرح کسب بخشی از درآمد بخش خصوصی بوده است، اما این افزایش به‌سرعت به مصرف‌کننده منتقل می‌شود و مکانیسمی برای هدایت این امر پیش‌بینی نشده است. همچنین

1. <https://www.irna.ir/news/83495223>

2. <https://www.isna.ir/news/98021407202/>

در این طرح برای تعیین ۱۰ درصد، حالت فروش تمام بلیت‌های هر کنسرت را در نظر گرفته‌اند حال آنکه در حال حاضر کنسرت‌های زیادی هستند که بلیت‌هایشان به‌طور کامل به فروش نمی‌رود و حتی بلیت‌های رایگانی که در اختیار نهادهای دولتی قرار می‌گیرند از این محاسبه کنار گذاشته نشده‌اند.

بُعد حمایتی سیاست‌گذاری به‌طور کامل مسکوت می‌ماند. اگرچه هدف از اجرای این سیاست حمایت از موسیقی شهرهای دیگر به‌غیر از مراکز استان‌ها عنوان شده، اما همچنان که در بخشی از همین گزارش آمده است، این سیاست در راهبردها و نتایج آن به تضعیف هرچه بیشتر موسیقی نواحی، کلاسیک و سنتی منجر می‌شود، زیرا عملاً امکان برگزاری کنسرت و کسب درآمد از این راه را برای این بخش از صنف موسیقی غیرممکن می‌سازد.

ابهام در نحوه هزینه‌کرد این درآمدها نیز بر افزایش ابهام و نارضایتی درمورد کلیت این تصمیم تأثیری بسزا داشته است. حتی این امر که درآمد کسب‌شده به حساب خزانه واریز شده است یا به حساب ادارات ارشاد استان‌ها نیز بر کسی معلوم نیست.

پیامد این وضعیت برای عرصه فرهنگی کشور در لغو این قانون متجلی می‌شود، سیاست‌گذاری با فرایندی غیردموکراتیک و بیش از آن غیرکارشناسی شده و غیرتخصصی درنهایت به اتلاف منابع انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه مالی منجر شده و به سیاستی ناکارا و بدون ضمانت اجرایی می‌رسد. اعتراضات متعدد به این قانون باعث شد سرانجام در سال ۱۳۹۹ سازمان برنامه و بودجه قانون ۱۰ درصد را از لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ خارج کند؛ این امر به‌منزله نتیجه نهایی فرایندی اساساً اشتباه معرفی می‌شود.

این در حالی است که مشخص نیست درآمد حاصل از این سیاست در سال ۱۳۹۸ چه میزان بوده، در کجا هزینه شده است و در آن سوی دیگر، پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن برای صنعت موسیقی کشور چه بوده و مسئولیت این خسارت‌ها با کدام نهاد و ارگانی است. مشخص نیست چه اصلاحاتی مورد نیاز است تا تکرار دوباره این فرایند (که در این حوزه اولین هم نبوده است) به روایی جاری و بدون پیامد برای مسببان آن بدل نشود.

### همخوانی آهنگ ساسی مانکن در مدارس

در سال ۱۳۹۸ همخوانی دانش‌آموزان مدارس با آهنگی از ساسی مانکن به سرعت به مسئله فرهنگی روز کشور تبدیل شد و واکنش‌های بسیاری را برانگیخت. این آهنگ، جدا از اینکه هرگز از نهادهای رسمی مجوزی دریافت نکرده است، دارای محتوای کلامی نامناسبی به‌ویژه برای کودکان نیز هست و چنین عزمی در میان دانش‌آموزان و بعضاً معلمان و مربیان برای همخوانی با آن تنها به دلیل ریتم تند و موزون آن بوده است.

فراگیر شدن همخوانی این آهنگ در یکی از رسمی‌ترین نهادهای دولتی، که ویژگی آموزشی و فرهنگی آن تحت نظارت شدید است، به‌عنوان یک دال مهم در بستر بزرگ‌تری از فضای فرهنگی و رسانه‌ای جامعه در عرصه موسیقی معنا می‌شود. ابتدا ویژگی‌های نشانه‌شناختی این رویداد را مرور کرده و سپس به علت‌ها و مدلول‌های آن برای توصیف وضعیت موسیقی از بُعد فرهنگی پرداخته‌ایم.

به گزارش وزارت آموزش و پرورش، تعداد کل کلیپ‌ها ۱۱ مورد بوده که از این تعداد کلیپ، ۷ مورد مربوط به مدارس به این ترتیب بوده است: ۲ مورد شهر تهران، ۲ مورد شهرستان‌های تهران (شهرری و اسلامشهر)، ۱ مورد خوزستان، ۱ مورد مازندران، ۱ مورد در آذربایجان غربی، همچنین یک مورد مربوط به مهدکودک زیر نظر بهزیستی و سه مورد در فضای کلاسی و بدون حضور معلمان و صرفاً با حضور دانش‌آموزان بوده که قابل شناسایی نیست. علاوه بر ۱۱ مدرسه یادشده، با راه‌اندازی تلفن دریافت گزارش‌های مردمی، تعداد ۶ مدرسه نیز مرتکب اقدام مشابه شده بودند ولی کلیپی از آن‌ها منتشر نشده بود.

انتشار کلیپ‌های متعدد مربوط به رقص دانش‌آموزان در فضای مجازی، که ویژگی همه آن‌ها حضور یک موسیقی با ریتم تند و متنی غیراخلاقی و از خواننده مشهور و غیرمجاز پاپ بوده (آهنگ جنتلمن از ساسی مانکن)، وزارت آموزش و پرورش را به واکنشی عجیب واداشت.

آنچه اتفاق افتاده اساساً مربوط به حوزه آموزش و پرورش نمی‌شود، چراکه مدارس را نمی‌توان به‌سوی سخت‌گیری بیشتر پیش برد و کنترل کامل فضای مدارس غیرممکن است، زیرا خشونت بر کودکان را نمی‌توان روا داشت. بنابراین

آنچه در مدارس روی داده لزوماً به این معنا نیست که باید آموزش و پرورش به آن پاسخ دهد، بلکه مربوط به حوزه سیاست‌های کلان فرهنگی کشور است و به جای سیاست‌های کنترلی در مدارس باید سیاست‌های کلی در زمینه موسیقی، آموزش سواد موسیقی و محدودیت‌های آن بازنگری شود. باید این نکته را در نظر داشت که این موسیقی از خانه‌ها به مدارس راه یافته است و از این رو باید جامعه را در پدیدار شدن این رویداد درک کرد و هم نقش و هم خشمش را فهمید.

این رویداد - که نه غیرمنتظره بود و نه بی سابقه - می‌توانست به عنوان نقطه عطفی برای بازنگری در سیاست‌های کلان فرهنگی کشور در زمینه موسیقی معرفی شود. با استفاده از احساس خطر جمعی که جامعه نسبت به پیامدهای شیوع این نوع موسیقی و فحواى غیراخلاقی در بین کودکان خود پیدا کرده است، می‌شد نسبت به بازنگری در سیاست حذف آموزش موسیقی از مدارس هشدار داد و این فرصت را برای اصلاح سیاست‌های موجود مغتنم دانست اما این چنین نشد. تغییراتی که در سیستم پویا در پی احساس خطر این رویداد انتظار می‌رفت برنامه‌ریزی برای بالا بردن سواد موسیقایی دانش‌آموزان و ترویج موسیقی ایرانی بود که جایی برای ظهور یک‌باره مصرف موسیقی سطح پایین به وجود نیاید. از این نقطه به مسئله شناسایی شده در این گزارش بازمی‌گردیم که چرا هشدارهای فرهنگی نسبت به موضوع موسیقی امکان شنیده شدن نمی‌یابند و عزمی برای تغییر این وضعیت پدید نمی‌آید. پاسخ به این پرسش را در بخش شناسایی علت‌های وضعیت موجود مورد کندوکاو قرار خواهیم داد. در اینجا به توصیف وضعیت مصرف و آموزش موسیقی می‌پردازیم که رویداد موردنظر را پدید آورده است:

### وضعیت مصرف موسیقی و تعبیر ذاتیة موسیقی در کشور

در پیمایش ملی مصرف کالاهاى فرهنگی که در سال ۱۳۹۸ انجام شد از پاسخ‌گویان پرسیده شد «موسیقی گوش می‌کنید؟». ۷۲/۱ درصد جمعیت نمونه گفته‌اند که موسیقی گوش می‌دهند. ۴۰ درصد این جامعه آماری دو ساعت و بیشتر موسیقی گوش می‌دهند و ۷۶ درصد آنان موسیقی را در خانه گوش می‌دهند. با کاهش سن و افزایش تحصیلات، منزلت شغلی و پایگاه اقتصادی افراد، تعداد کسانی که موسیقی گوش می‌دهند بیشتر

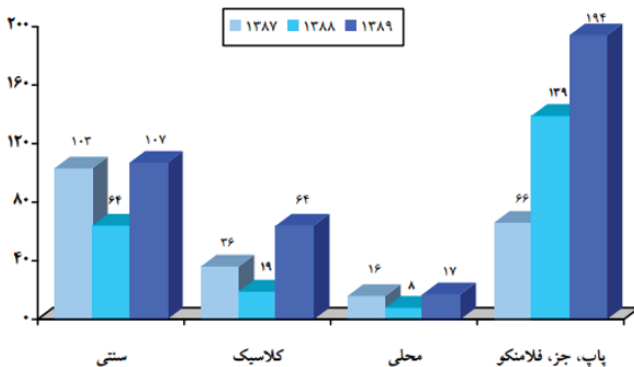
می‌شود. مردان بیشتر از زنان، دانش‌آموزان و دانشجویان و سپس بیکاران بیشتر موسیقی گوش می‌دهند و افراد دارای درآمد بدون کار کمتر از دیگر گروه‌های فعالیت از موسیقی استفاده می‌کنند (پیمایش ملی مصرف کالاهای فرهنگی، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

بر اساس این آمار، گوش دادن به موسیقی علی‌رغم محدودیت‌های موجود فراگیر و مردمی بوده است. پرسش از کیفیت آثاری که تولید و مصرف می‌شوند و پاسخ به آن دغدغه جدی صاحب‌نظران این حوزه است. نمودارهای مقایسه‌ای زیر تغییرات شاخص در بخش تولید آثار و اجراهای صحنه‌ای را نمایان می‌کنند:

جدول ۳ - مقایسه فراوانی مجوزهای صادر شده در بخش تک‌آهنگ به تفکیک گونه موسیقیایی

سال	پاپ	سنتی	کلاسیک	محلی	تلفیقی	کودک	سایر	جمع
۱۳۹۲	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۳۹۳	۹	-	-	-	-	-	-	۹
۱۳۹۴	۸۸	۶	۱	۰	۳	-	۱	۹۹
۱۲۹۵	۳۰۲	۴۶	۱	۱۰	۸	-	۴	۳۷۱
۱۳۹۶	۱۰۷۰	۵۸	۱۰	۱	۱۲۸	-	۱	۱۲۶۸

منبع: داده‌های مأخوذ از دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (تیرماه ۱۳۹۹)



نمودار شماره ۱ - مقایسه اجراهای صحنه‌ای در چهار گونه موسیقیایی در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، و ۱۳۸۹

منبع: آزاده‌فر (۱۳۹۳: ۱۰۱)



داده‌های مربوط به مصرف موسیقی، علاوه بر اینکه مصرف بالای موسیقی در کشور - علی‌رغم محدودیت‌های تولید و ترویج آن - را تأیید می‌کنند، همچنین اطلاعات مهمی دربارهٔ ذائقهٔ مصرف دارند. توجه به این موضوع اهمیت دارد که موسیقی پاپ در لغت مخفف کلمهٔ popular به معنای محبوب عمومی‌ت یافته است، لذا این واقعیت که این ژانر موسیقی در همهٔ جهان به‌عنوان پرمخاطب‌ترین گونهٔ موسیقی مطرح شود امری معمول و عادی است، اما آنچه رواج بیش از حد موسیقی پاپ در ایران را به ذائقهٔ موسیقی نسبت می‌دهد نتیجه‌ای است که در پی عدم حمایت از موسیقی به دلایل ایدئولوژیک حاصل می‌شود. در رویکرد عدم ترویج موسیقی و یکسان‌نگاری موسیقی با غنا، محدودیت‌های موردنظر بیش از هر چیز موسیقی پاپ ایرانی یا آنچه موسیقی لس‌انجلسی و مبتذل نامیده می‌شد را هدف گرفته بودند. رواج موسیقی پاپ، که به اعتقاد متخصصان موسیقی در پی سیاست‌های حذف آموزش موسیقی و محدودیت‌های اعمال‌شده به صورت قابل توجهی از کیفیت آن کاسته شده است، نشان‌دهندهٔ عدم توفیق این سیاست‌ها در حذف موسیقی مدنظر و تغییر ذائقهٔ فرهنگی و موسیقایی بوده و از این لحاظ حائز اهمیت است. از سوی دیگر، یکی از مشخصات موسیقی پاپ شعرهای بسیار ساده و قابل به‌خاطر سپاری است. آمار مربوط به رشد مجوزهای شعر صادرشده و مقایسهٔ آن با موسیقی تولیدشده نشان می‌دهد ارائه و تصویب اشعار به نسبتی بسیار بیش از تولیدات موسیقی شده است:

برای نمونه در سال ۱۳۹۷، نزدیک به ۲۰ هزار شعر مورد تصویب قرار گرفته، درحالی‌که تنها ۵۴۸ مجوز برای آثار صوتی در این سال صادر شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید: «اشعار مصوب مربوط به موسیقی پاپ هستند، درحالی‌که هنوز اشعار مولانا یا حافظ برای موسیقی سنتی با سخت‌گیری و ممیزی همراه است» (مصاحبهٔ نگارنده، اسفند ۹۸).

جدول ۴ - نسبت شعر و موسیقی تولیدشده در مجوزهای صادرشده

سال	آثار صوتی	اشعار موسیقی
۱۳۸۱	۳۲۱	-
۱۳۸۵	۲۴۴	۵۶۵۸
۱۳۹۰	۴۱۸	۶۹۷۱
۱۳۹۱	۳۷۸	۵۹۹۰
۱۳۹۲	۵۱۹	۸۰۲۲
۱۳۹۳	۴۲۵	-
۱۳۹۴	۵۷۴	۱۱۱۱۷
۱۳۹۵	۴۸۵	۱۳۰۱۹
۱۳۹۶	۵۴۵	۱۵۴۵۰
۱۳۹۷	۵۴۸	۱۹۶۲۳

منبع: سالنامه آماری معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۷

چنانچه در جدول بالا نمایان است، در سال‌های اخیر حمایتی ضمنی از رشد این موسیقی و رفع موانع ممیزی مربوط به اشعار روی داده است؛ همین امر یکی از عوامل مؤثر بر کاهش کیفیت این ژانر از موسیقی در ایران بوده است. اگرچه رشد موسیقی پاپ در روندی جهانی و مصرف‌گرایانه، طبیعی است، اما منطق سیاست‌های فرهنگی دولت‌ها نیز حمایت از موسیقی ملی و نواحی به‌عنوان میراث فرهنگی و موسیقی کلاسیک به دلیل ارزشهای هنری آن است که بخش دوم در کشور ما تحقق نیافته است. از این رو، رشد روزافزون موسیقی پاپ در ایران هم به معنای تغییر ذائقه عمومی علی‌رغم سیاست‌های محدودیت‌آفرین فرهنگی در عرصه موسیقی است و هم از سوی دیگر به معنای از دست دادن ارزش‌های متعالی فرهنگی در این عرصه و در حقیقت تأثیر معکوس سیاست‌های فرهنگی پس از انقلاب بر گروه هدف موسیقی سنتی ایرانی، نواحی و کلاسیک بوده است، بدون آنکه روند تجاری و جهانی رشد موسیقی پاپ را کند یا متوقف کند.

در پژوهش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری نیز مسئله مصرف موسیقی بدین‌ترتیب مورد تحلیل قرار گرفته است که همان نتایج اکنون نیز قابل تکرار است و می‌توان پدیده همخوانی آهنگ ساسی مانکن در مدارس را با نتایج این تحلیل مطابقت داد:

سیاست «عدم ترویج موسیقی» به‌عنوان سیاست رسمی سبب کم‌رنگ شدن و تضعیف آموزش موسیقی، سیاست رسانه‌ای مبهم و انفعالی و تضعیف فعالیت بخش خصوص در عرصه موسیقی و نهایتاً محدود شدن راه‌های دسترسی جامعه به موسیقی در جامعه از طریق رسمی شده که در نگاه اول نتیجه مطلوب سیاست «عدم ترویج موسیقی» در جامعه است.

اما نگاهی عمیق‌تر به سیاست‌ها می‌تواند پیامد منفی پایین بودن سواد موسیقایی<sup>۱</sup> جامعه در درازمدت را روشن‌تر سازد. عدم دسترسی برنامه‌ریزی‌شده به همراه وجود نیاز به مصرف موسیقی در جامعه و برطرف کردن این نیاز از طریق مبادی غیررسمی سبب شده «سطح پایین سواد موسیقایی جامعه» مهم‌ترین پیامد سیاست انفعالی و بازدارنده حکومت در چند دهه اخیر باشد.

شرایط فعلی نشان‌دهنده این است که سیاست‌های بازدارنده، موسیقی را از زندگی مردم خارج نمی‌کند، بلکه فقط با کاهش سطح سواد موسیقایی جامعه، راه را برای مصرف بی‌اندازه و یکه‌تازی موسیقی پاپ به‌عنوان یک گونه موسیقایی باز کرده است. شرایط پیش‌آمده پس از مرگ مرتضی پاشایی شاهدهی بر یکه‌تازی گونه موسیقی پاپ در جامعه است. موسیقی پاپ به دلیل دسترسی آسان از طریق وسایل ارتباطی جدید و نیاز نداشتن این نوع موسیقی به ذائقه موسیقایی پرورش‌یافته مورد اقبال جامعه‌ای قرار گرفته است که سطح سواد موسیقایی پایینی دارد. در نتیجه شرایط برای حضور گونه‌های دیگر موسیقی، مانند موسیقی سنتی که رابطه نزدیک‌تری با هویت

---

۱. سواد موسیقایی به معنای داشتن دانشی درباره عناصر اصلی موسیقی و انواع موسیقی است که قدرت انتخاب موسیقی را فارغ از ابعاد هیجانی آن به افراد می‌دهد.

فرهنگی مردم دارد، سخت شده است. دغدغه این است که موسیقی بخشی از هویت و سرمایه نمادین مردم است و فقدان شناخت از موسیقی ملی به تدریج توانایی لذت بردن از این نوع موسیقی را از بین می‌برد.

علاوه بر عدم توانایی لذت بردن از موسیقی ملی، در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد کاهش تعداد نوازندگان سازهای ایرانی خواهیم بود. این پیامد را می‌توان نتیجه عدم نمایش ساز در رسانه ملی به دلیل تبعیت از سیاست عدم ترویج موسیقی دانست... شرایط کنونی ما را نیازمند بازنگری در سیاست موسیقایی می‌سازد، بایستی سیاستی تدوین شود که با واقعیت اجتماعی مصرف موسیقی در ایران و حساسیت‌های حاکمیتی تعادل برقرار سازد. سیاستی با این پیش‌زمینه که در فضای رسانه‌ای جدید حذف و نهمی موسیقی نه‌تنها نمی‌تواند جلوی مصرف موسیقی را سد کند، بلکه مشخصه عدم شناخت کافی از شرایط پیرامونی است» (تقی‌زادگان، ۱۳۹۵).

چنانچه داده‌های نمودارهای بالا نیز نشان می‌دهد، موسیقی پاپ در سال‌های اخیر به سرعت در حال گسترش و فراگیر شدن است، آنچه در موضوع مورد بررسی همخوانی آهنگ ساسی مانکن در مدارس مشاهده می‌شود در واقع از تأثیرات این فرایند تغییر موسیقایی جامعه است. در دهه‌های گذشته، رواج افراطی موسیقی پاپ در میان جوانان و نوجوانان، به‌صورتی که ذائقه موسیقایی آنان را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد، مورد انتقادات بسیاری قرار گرفته است. زاده‌محمدی در پژوهشی جذابیت‌های اجتماعی و احساسی موسیقی پاپ ایرانی- غربی را دلیل مصرف بالای آن در ایران معرفی می‌کند که به نظر وی ریشه‌ها و تأثیرات این انتخاب نگران‌کننده است (زاده‌محمدی، ۱۳۸۷).

پس از داده‌ها و تحلیل‌های موجود درباره تغییر ذائقه موسیقایی جوانان و نوجوانان ایرانی به دلیل اصلی آن یعنی عدم آموزش موسیقی می‌رسیم که در قسمت بعد به آن پرداخته شده است.

### وضعیت آموزش موسیقی و بی‌سوادی موسیقایی در کشور

نوع و شیوه مصرف موسیقی در میان دانش‌آموزان، که آن را در نمونه مورد بررسی به تفصیل شرح داده‌ایم، از همان جایی نشئت می‌گیرد که در آن حضور یافته است. از مکان آموزش عمومی و فقدان آموزش موسیقی در آن. در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی، سیاست حذف موسیقی از مدارس به جایگزینی برنامه‌ای به نام سرود مدارس در آن منجر شد که هدف از آن، عدم اتکا به موسیقی و افزایش سخت‌گیری‌ها در این زمینه بود. این سیاست‌ها از نظر متخصصان آموزشی و دلسوزان حوزه موسیقی همواره محکوم به شکست دانسته شده، اما نظر متخصصان مورد بی‌مهری سیاست‌گذاران قرار گرفته است. رویداد همخوانی آهنگ ساسی مانکن در مدارس نتیجه عدم توجه به این هشدارها و ظهور پیامدهایی چون انتشار گسترده موسیقی نازل و فراگیر شدن آن به دلیل عدم شناخت موسیقی و تبعیت از ریتم هیجانی است. در نبود برنامه‌های پخش موسیقی با ارزش فرهنگی بالا به صورت رسمی در مدارس، در فقدان آموزش موسیقی و سنجش و پایش سواد موسیقایی در بین دانش‌آموزان، آنچه جایگزین می‌شود عادت به نبود موسیقی در مدرسه و در میان کودکان نیست. چنانچه حذف موسیقی از فضای جامعه نیز ممکن نشد و تنها به تنزل سطح آن انجامید. بلکه پیامد طبیعی آن پیروی و همراهی کودکان از موسیقی با ریتم ساده و مهیج، بدون توجه به کلام غیراخلاقی آن است. مهم‌ترین آسیب‌های نظام آموزش رسمی از نظر آموزش موسیقی و آسیب‌های آموزش موسیقی در فضای خارج از فضای رسمی آموزشی در موارد زیر آمده است:

در بخش آموزش به‌طور رسمی، آموزش موسیقی در هیچ‌یک از بخش‌های وزارت آموزش و پرورش وجود ندارد و هنرستان‌های موسیقی هم تنها اساسنامه‌شان باید به تأیید آموزش و پرورش برسد. اخیراً در بخش‌هایی از کتاب‌های درسی پایه ششم و هفتم دبستان مباحثی برای آشنایی کودکان با مبانی موسیقی گنجانده شده است، اما به دلیل عدم تأمین آموزگاران آشنا به این مباحث، عملاً کاربردی نیافته است.

با حذف موضوع آموزش موسیقی، تنها ارتباط وزارت آموزش و پرورش با موسیقی مدارس در بخش پرورشی و به برنامه «سرود مدارس» محدود می‌شود. هدف از اجرای این برنامه رسانیدن پیام‌های تربیتی انقلابی و اسلامی در قالب سرود و موسیقی بوده است. اجرای سرودهای مدرسه در قالب مناسبت‌هایی مانند دهه پیروزی انقلاب اسلامی و روز دانش‌آموز تعریف شده است، مناسبت‌های دیگر مذهبی چون ایام ولادت و شهادت ائمه معصومین و یا جشن تکلیف نیز در برخی موارد گنجانده می‌شوند. در معدودی از مدارس، مناسبت‌های ملی مانند نوروز نیز شامل برنامه‌های سرود جمعی می‌شود. بدین ترتیب در این برنامه، یک «روند دائمی» برای آموزش تنها شکل آوازی موسیقی به صورت محدود نیز وجود ندارد. شیوه برگزاری برنامه‌های سرود مدارس به نحوی است که برخی معتقدند سرود مدارس نه تنها باعث آشنایی کودکان با موسیقی نمی‌شود، بلکه درکی نادرست و شناختی اشتباه از موسیقی به آن‌ها می‌دهد. استفاده از مریبان نابلد در برخی موارد باعث مشکلاتی در حنجره و صدای کودکان می‌شود و به‌طور کلی به هیچ‌وجه مورد قبول نیست. به دلیل عدم آموزش رسمی موسیقی در کشور، شمار آموزشگاه‌های موسیقی در شهرهای مختلف با روند روبه‌رشدی روبه‌رو بوده‌اند. آموزشگاه‌های خصوصی موسیقی به‌عنوان حلقه‌های واسطه و مهره‌های جایگزین نظام آموزش موسیقی کشور مطرح شده‌اند، اما چالش‌های پیش روی این نوع آموزش نیز کم نیستند که برخی از آن‌ها در موارد زیر آمده‌اند:

**فقدان قابلیت ارزیابی کیفیت آموزشی:** آموزشگاه‌های موسیقی اگرچه از نظر کمی، رشد روزافزونی در شهرهای بزرگ داشته‌اند و حتی گاهی در روستاهای کوچک نیز پدید آمده‌اند، اما از نظر کیفیت، روند مشخص و معیارهای قابل ارزیابی برای آن‌ها وجود ندارد. بنابراین تأیید کیفیت عملکرد آن‌ها ممکن نیست. رتبه‌بندی آموزشگاه‌های موسیقی بر اساس شاخص‌های کفایت مدیرمسئول و نوع فعالیت‌های آن صورت می‌گیرد و جایگاه آموزشگاه‌ها در سه رتبه (درجه ۱،

۱. برای مثال در روستای گرجی محله واقع در شهرستان بهشهر نمونه‌ای از آموزشگاه‌های خصوصی موسیقی در حال فعالیت است.

درجه ۲ و درجه ۳) تقسیم‌بندی می‌شود. با وجود این، به عقیده کارشناسان این حوزه، این رتبه‌بندی برای ارزیابی عملکرد آموزشی این آموزشگاه‌ها کافی نبوده و نظارت بر محتوای آموزشی و کیفیت آموزش ضروری است.

**تحمیل هزینه‌های بالا بر والدین و هنرجویان:** مرکز آموزش و توسعه فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مؤدی تعیین شهریه برای آموزشگاه‌های آزاد هنری است. در حال حاضر، آخرین شیوه‌نامه اخذ و استرداد شهریه از سوی این مرکز در سال ۱۳۹۱ تعیین شده و از آن سال تاکنون تغییری نیافته است. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهند آموزشگاه‌های موسیقی طبیعتاً در انتظار تغییر این شیوه‌نامه نمانده‌اند و در نبود این شیوه‌نامه، به صلاح دید خود و با نیم‌نگاهی به میزان ظرفیت جامعه هدف برای پرداخت شهریه‌ها، سالانه مبلغی را برای کلاس‌ها در نظر می‌گیرند. این مبلغ با توجه به معیارهایی چون منطقه شهری محل آموزشگاه، میزان شهرت و محبوبیت اساتید و نام و نشان شناخته شده آموزشگاه و مدیریت آن متغیر است. گذشته از «عدم تعیین شهریه معنی دار» از سوی معاونت مربوطه، هزینه‌های آموزش موسیقی نیز مانند بسیاری از حوزه‌های هنری دیگر کاملاً قابل کنترل و یا پیگیری نیست.

**وجود تنوع شیوه‌های آموزشی و عدم وجود رویه معین آموزشی:**

آموزشگاه‌های آزاد موسیقی در کشور از نظر آموزشی رویه‌های مشخص خود را دنبال می‌کنند و نه تنها روش معینی برای آنان وجود ندارد، بلکه یکی از شیوه‌های جذب هنرجو برای آنان تأکید بر «خاص بودن روش‌های آموزشی» است. این در حالی است که سایر آموزشگاه‌های هنری و یا رشته‌های غیرهنری (مثلاً زبان‌های خارجی) روش‌های مرجعی را در نظر گرفته و تلاش می‌کنند به آن نزدیک شوند، برای مثال آزمون‌های سراسری داخلی و خارجی را هدف قرار می‌دهند. البته این نابسامانی ظاهری از سوی برخی از کارشناسان در حوزه آموزش موسیقی امری نامطلوب نیست و می‌باید به آزادی در عمل آموزشگاه‌های خصوصی و حق انتخاب از سوی هنرجویان یا والدین آن‌ها تعبیر شود (تقی‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۶).

نوع دیگری از آموزش موسیقی در کشور از سوی هنرستان‌های موسیقی صورت

می‌گیرد. وضعیت حاکم بر این هنرستان‌ها نیز این‌گونه قابل توصیف است: در کل استان تهران، تنها دو هنرستان موسیقی وجود دارد که با تفکیک جنسیتی به دختران و پسران اختصاص یافته‌اند. تنها هنرستان موجود برای دختران و پسران فضای آموزشی ناچیزی است که نمی‌توان انتظار تخصصی شدن رشته‌ها، گرایش‌های آموزشی (شفاهی و مکتوب) و نوازندگی سازهای ایرانی و جهانی را داشت. با وجود این، هنرستان‌های موسیقی دختران و پسران در تهران ایدئال‌ترین شکل آن در کل کشور است، همین حداقل‌ها در سایر شهرها و استان‌های کشور به آرزویی برای علاقه‌مندان موسیقی و استعدادهای درخشان تبدیل شده است. آمار هنرستان‌های موجود در کل کشور بدین ترتیب است:

جدول ۵ - تعداد هنرستان‌های موسیقی کشور در سال ۱۳۹۸

جنسیت	تعداد هنرستان‌ها	استان (شهر)
دختران و پسران	۲	تهران (تهران)
دختران و پسران	۲	آذربایجان شرقی (تبریز)
پسران	۱	آذربایجان غربی (ارومیه)
دختران و پسران	۲	اصفهان (اصفهان)
دختران و پسران	۲	البرز (کرج)
پسران	۱	زنجان (زنجان)
دختران	۱	کردستان (سنندج)
پسران	۱	کرمان (کرمان)
پسران	۱	کرمانشاه (کرمانشاه)
پسران	۱	لرستان (خرم‌آباد)
پسران	۱	هرمزگان (بندرعباس)
۱۵		تعداد کل هنرستان‌های موسیقی موجود در کشور

بدین ترتیب بخش آموزش موسیقی در شهرستان‌ها عملاً در حالت نیمه‌تعطیل قرار دارد و موضوع عدم رعایت عدالت آموزشی در نظام آموزش رسمی کشور، چنانچه در جدول بالا مشاهده می‌شود، غیرقابل چشم‌پوشی



است. موضوع کمیت آموزشی به‌تنهایی نشانگر تبعیض شدید آموزشی در زمینه جنسیت، قومیت و شهرنشینی است که پیامدهای نامطلوب فراوانی را بر عرصه فرهنگی کشور تحمیل می‌کند.

در فضایی که آموزش رسمی موسیقی برای کودکان اساساً وجود ندارد، آموزش تخصصی چنان محدود و موردی است که جز اقلیتی محدود، در دسترس دیگران قرار نمی‌گیرد و بخش خصوصی، با هر کیفیت ممکن، جایگزین آموزش رسمی می‌شود؛ نمی‌توان انتظار سواد موسیقایی از دانش‌آموزانی را داشت که در معرض موسیقی هیجانی با کلام نامناسب قرار می‌گیرند.

وزارت آموزش و پرورش می‌باید این سؤالات را برای همه نهادهای سیاست‌گذاری فرهنگی در حاکمیت طرح کند و انتظار می‌رود پاسخ آن به تغییر رویه‌های آموزشی در زمینه موسیقی منجر شود:

چرا سیاست‌های کلان فرهنگی ما برای حذف موسیقی از مدارس موفق نبوده‌است؟ و از قضا فضایی انحصاری برای تولید و ترویج نوعی از موسیقی را فراهم آورده که مطلوب حامیان محدودیت موسیقی نیست؟

آیا راهکارهای کنترل فضای مدارس - زمانی که شکست برنامه‌هایی مانند کنترل و محدودسازی ماهواره‌ها و پس از آن فضای مجازی روشن شده است - باز هم باید ادامه یافته و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بر کشور تحمیل کنند یا اینکه فضای سالمی برای استفاده دانش‌آموزان از موسیقی سالم و آموزش آن در مدارس فراهم شود؟

درحالی‌که مثلاً حضور یک معلم موسیقی در هر مدرسه به‌منزله وجود یک متولی برای نظارت بر پخش موسیقی در مناسبت‌های مختلف نیز هست، هنوز هم باید بر روش‌ها و سیاست‌های شکست‌خورده برای کنترل فضای فرهنگی مدارس اتکا شود؟

پاسخ به این پرسش‌ها در مسئله تغییرات ضروری برای وضعیت آموزشی کشور در زمینه موسیقی تجلی می‌یابد که در بخش بعدی تلاش شده علت‌های این درج‌ماندگی سیاستی جست‌وجو شود.

## عوامل و زمینه‌های درجاماندگی سیاست‌گذاری موسیقی

در این گزارش، مسئله اصلی سیاست موسیقی کشور فقدان تنظیم‌گری متناسب با وقایع، روندها و ضرورت‌های وضع موجود معرفی شده است. مروری بر دو مورد از مهم‌ترین رویدادهای مرتبط با موسیقی در سال ۱۳۹۸ (اخذ ۱۰ درصد مالیات از کنسرت‌ها و همخوانی آهنگ ساسی مانکن در مدارس) نیز آسیبی را هویدا می‌کند که می‌توان آن را «درجاماندگی سیاست‌گذاری موسیقی» نامید، بدین معنا که سیاست‌های کلان توجه کافی و متناسبی به روندهای اجتماعی و فرهنگی کشور در زمینه موسیقی ندارند و در مقابل تغییرات ایستادگی می‌کنند یا دست کم تلاشی برای ایجاد این تغییرات نمی‌کنند. سه علت بنیادین بوروکراتیک، ایدئولوژیکی - حاکمیتی و اقتصادی در این زمینه شناسایی و تحلیل شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه، اگرچه تصور می‌شود مسئله اصلی موسیقی ریشه در احکام و ممنوعیت‌های فقهی در این زمینه دارد و باوجود اهمیت غیرقابل انکار این موضوع در ایجاد مسئله سیاستی موسیقی در ایران، اما باید در نظر گرفت که مجموعه این عوامل در ارتباط پیچیده‌ای که با یکدیگر دارند مسئله را شکل داده و مانع از حل و بهبود آن می‌شوند. بدین معنا که مناسبات اقتصادی حاکم بر موسیقی کشور منافع بزرگی را برای افرادی فراهم می‌آورد و لذا رسیدگی به سایر بخش‌ها یا تغییرهای سیاستی در جهت منافع عمومی را دچار تعارض منافع می‌سازد. از سوی دیگر، ساختار کوچک و غیرتخصصی دفتر موسیقی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه تشریح وضعیت و زمینه‌سازی برای تغییر آن در بخش‌های اصلی حاکمیتی را فراهم نمی‌آورد، این‌ها در پیوند با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند و تمرکز بر یکی از این گروه‌ها بدون در نظر گرفتن سایرین درک ما را از شناخت پدیده‌های مربوط به آن دچار آسیب می‌سازد. در این بخش تلاش شده علت‌های این آسیب بیان و به صورت خلاصه توضیح داده شوند:

### موانع بوروکراتیک

عدم توفیق سازمان‌های فرهنگی کشور در ارتقای صنعت و فرهنگ موسیقی کشور را باید در هم‌راستایی عوامل زیر جست‌وجو کرد:

- عدم تخصص و عدم مقبولیت مدیران موسیقی نزد اهالی موسیقی
  - عدم تخصیص بودجه متناسب به دفتر موسیقی و سایر نهادهای متولی
  - عدم هماهنگی بین دستگاهی برای پیشبرد اهداف و پروژه‌های موسیقی در کشور
- در این قسمت از گزارش، به تشریح هریک از این عوامل در پیوند با یکدیگر خواهیم پرداخت:

اگر بپهنه سیاست‌گذاری کشور را به دو بخش دولت و حاکمیت تقسیم کنیم، در بخش دولت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسئولیت هدایت و راهبری بخش موسیقی کشور را بر عهده دارد. در این وزارتخانه، نهادی با نام «دفتر موسیقی» به‌عنوان زیرمجموعه معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند. این دفتر، که کوچکی عنوان و جایگاه سازمانی‌اش نیز تردیدهایی جدی در توانایی آن برای هدایت بخش مهم فرهنگی کشور به وجود می‌آورد، به‌عنوان متولی سیاست‌گذاری‌های کلان حوزه موسیقی کشور شناخته می‌شود. شاخص‌ترین وظایف ستادی، هدایتی و حمایتی این دفتر ۱۵ مورد است؛ در اساسنامه این دفتر برخی از مهم‌ترین وظایف این دفتر موارد زیر ذکر شده است:

- تدوین سیاست‌های اجرایی، هدایتی و حمایتی برای اعتلای موسیقی ایرانی
- ارائه راهکارهای واقع‌بینانه برای شیوه تعامل با فرهنگ موسیقایی غیرایرانی
- مطالعه و بررسی فناوری‌های نوین در صنعت موسیقی جهان
- تلاش برای پالایش ذوق زیبایی‌شناختی و سلیقه موسیقایی عامه در جهت درک موسیقی‌های سنتی و کلاسیک و استقبال از آن
- برخورد فعال با موسیقی‌های متداول و جاری در سطح جامعه به‌گونه‌ای که ضمن رعایت شاخص‌های موسیقایی حداکثری از قالب‌های رایج برای ترویج ارزش‌های ایرانی و اسلامی استفاده شود.
- حمایت از برگزاری جشنواره‌های تخصصی و تلاش برای افزایش وجهه هنری آن‌ها
- شناسایی و معرفی جشنواره‌های معتبر خارجی و حمایت از اعزام گروه‌های موجه به این جشنواره‌ها

- انجام امور نظارتی بر اجرای آثار صحنه‌ای و تولیدات موسیقی برای
- صیانت از هویت فرهنگ ایران اسلامی و جلوگیری از انحطاط فرهنگی
- تدوین مقررات مشخص و شفاف برای اجرای آثار صحنه‌ای و تولیدات موسیقایی و صدور مجوزهای مورد نیاز
- حمایت از گروه‌های موسیقی با استفاده از امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری

با نگاهی به موارد فوق که در مورد اهداف دفتر موسیقی آمده، مشخص است که این نهاد می‌باید سازمانی تخصصی در حوزه موسیقی کشور باشد و مدیریت آن نیز به دست افرادی سپرده شود که هم از تخصص لازم برای اداره این سازمان و هم از مقبولیت لازم در میان اهالی موسیقی برخوردار باشند. بدیهی است که عملکرد افراد را نمی‌توان به تخصص و سوابق دیگر آنان فروکاست، اما آن‌چنان که بررسی‌ها در مورد سوابق مدیران این دفتر نشان می‌دهد، در انتخاب مدیران به‌طور کلی شاخص تخصص کمتر مورد توجه بوده است.

بررسی مدیران کل دفتر موسیقی از سال ۱۳۶۹ تا کنون واقعیت‌های زیر را نشان می‌دهد:

- از سال ۱۳۶۹ تا کنون، دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۱ مدیر و سرپرست را به خود دیده است.
  - از میان این افراد، تنها ۲ نفر از آن‌ها سوابق مرتبط با موسیقی داشته‌اند و یکی از آنان سوابق مدیریتی مرتبط با موسیقی داشته است.
  - ۵ نفر از این مدیران سوابق فرهنگی مدیریتی در سطوح مختلف داشته‌اند و در مورد دیگران هیچ سابقه مدیریتی‌ای یافت نشده است، که این امر نشان از ورود آنان به حوزه مدیریت با اخذ سمت در این دفتر دارد.
- به‌جز دوره اول که مدیریت این دفتر ۱۴ سال به طول انجامیده است، دوران تصدی سایرین کمتر از ۳ سال بوده، این در حالی است که حدود ۳ سال از این زمان را نیز مدیران به صورت سرپرست اداره کرده‌اند.
- تأثیر این واقعیت‌ها بر شیوه مدیریت و حکمرانی موسیقی کشور را در موارد زیر می‌توان جست‌وجو کرد:

**مدیران کوتاه مدت موسیقی:** زمان کوتاه تصدی مدیران بر دفتر موسیقی از آسیب دیگری در عرصه موسیقی حکایت می کند که عدم تعهد و تضمین برای اجرای برنامه های طولانی مدت توسعه ای و اصلاحی در این حوزه است. اساساً مدیران موسیقی خود را مدیران کوتاه مدت می دانند که تنها می توانند برای مدیریت عرصه های اجرایی برنامه ریزی کنند. آن ها فرصت آشنایی، برنامه ریزی و عمل نمی یابند و به همین نسبت هم این مدیران در جایگاه پاسخ گویی نمی توانند به صورت مؤثری مورد نقد و ارزیابی قرار بگیرند.

**انتصاب غیر تخصصی مدیران:** مرور سوابق موسیقایی و اجرایی اغلب مدیران دفتر موسیقی انتصاب آنان را، بیش از آنکه مربوط به تخصص آنان در حوزه موسیقی باشد، به سابقه مدیریتی آنان برای حفظ مناسبات و چارچوب های پیشین مرتبط می سازد. چنین انتصاب هایی در عمل مدیرانی را بر رأس امور گمارده است که سررشته ای از موسیقی و جزئیات اجرایی، مالی و مناسبات درونی آن ندارند و در عمل نتوانسته اند منافع موسیقی دان ها و فعالان این حوزه را نمایندگی کنند.

**فقدان سیاست گذاری یکپارچه و ملی:** علاوه بر نهاد متولی موسیقی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سایر نهادهای مرتبط نیز از سهم خود شانه خالی می کنند. برای مثال، وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری حمایت های محدودی از جشنواره های موسیقی نواحی می کند و بررسی ها نشان داده که این وزارتخانه تا کنون متولی برگزاری هیچ یک از این جشنواره ها نبوده است، در حالی که سود بخش گردشگری از عواید مالی این جشنواره ها بسیار زیاد است و علاوه بر این، حفاظت از موسیقی نواحی به عنوان یکی از وظایف این وزارتخانه در حراست از آثار فرهنگی ناملموس کشور است. چنانچه یکی از مدیران پیشین دفتر موسیقی در این باره می گوید: «تار ما را آذری ها ثبت کردند، سنتور ما را چینی ها برده اند و الان فقط سه تار برای ما مانده است» (مصاحبه با نگارنده، اسفند ۱۳۹۸).

سازمان مؤثر دیگر در این زمینه سازمان صدا و سیماست. این سازمان، با نقض مکرر حق مؤلف در پخش آثار موسیقی<sup>۱</sup>، نسبت اهالی موسیقی را با

۱. صدا و سیما تنها حق پخش فیلم های سینمایی را می خرد اما در ازای پخش موسیقی به صاحبان آن ها پولی نمی دهد.

رسانه ملی پرچالش ساخته، همکاری با این سازمان را غیرشفاف نموده و موجب خسران مالی برای فعالان این حوزه شده است. علاوه بر این، عدم پاسخ‌گویی این سازمان در مورد مسائلی که گفته شد باعث شده سازمان صداوسیما از زیر مسئولیت فرهنگی خود در حوزه موسیقی نیز شانه خالی کند. در این سازمان، موسیقی مورد استفاده نه تنها از نظر مالی تعهدات مبهم و غیرشفافی دارد، بلکه هزینه نمودن این سازمان در جهت اهداف فرهنگی در حوزه موسیقی نیز خارج از منطق مالی این سازمان است.

عدم تأثیرگذاری دفتر موسیقی در هماهنگی دستگاه‌ها با یکدیگر به جایگاه این دفتر در مجموعه حکمرانی فرهنگی کشور نیز مربوط می‌شود. این جایگاه را از نظر بودجه‌بندی نیز می‌توان مقایسه و بررسی کرد. لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ مقیاسی برای مقایسه جایگاه موسیقی کشور در بودجه فرهنگی آن فراهم می‌آورد (هنر/امروز، ۱۳۹۸):

جدول ۶- سهم هریک از هنرها در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹

عنوان	بودجه	فعالیت‌ها
هنرهای تجسمی	۳۳ میلیارد و ۹۲۵ میلیون تومان	حمایت از آموزش، ترویج و حفظ آثار بومی و قومی ایران اسلامی: ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان
		حمایت از مؤسسات، انجمن‌ها، مراکز و تشکل‌های صنفی هنرهای تجسمی: ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان
		نظارت بر فعالیت‌های تجسمی: ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان
		حمایت از حضور بین‌المللی هنرمندان تجسمی: ۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان
		کمک به تقویت آرشیوهای هنر بومی: یک میلیارد تومان
		کمک و حمایت از برگزاری نمایشگاه‌ها و همایش‌های هنری تجسمی: ۱۱ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان
		فعالیت‌های موزه هنرهای معاصر: ۲ میلیارد تومان
		صدور مجوز برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی هنرهای تجسمی، تأسیس نگارخانه‌ها، ورود و خروج آثار هنری، نصب مجسمه و یادمان و علائم و نشانه‌ها: ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان

1. <http://www.honarmrooz.com/fa/tiny/news-1169>

## گزارش رصد فرهنگی (۱)

عنوان	بودجه	فعالیت‌ها
موسیقی	۵۵ میلیارد و ۹۰۷ میلیون	ایجاد آرشیو ملی موسیقی ایران: ۵۰۰ میلیون تومان حمایت از برگزاری جشنواره‌های موسیقی: ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان حمایت از تولید، ساخت و اجرای موسیقی صحنه‌ای: ۱۸ میلیارد تومان حمایت از حفظ و اشاعه موسیقی نواحی و آیینی ایران: ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون نظارت بر فعالیت‌های حوزه موسیقی: ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان حمایت از حضور بین‌الملل موسیقی دانان و گروه‌های موسیقی: یک میلیارد تومان کمک به مؤسسات، مراکز، انجمن‌ها، کانون‌ها و تشکل‌های صنفی موسیقی: ۲ میلیارد و ۹۰۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان حمایت از ارکسترهای ملی و سمفونیک: ۱۴ میلیارد تومان کمک به خانه موسیقی و موزه موسیقی: ۲ میلیارد تومان کمک به بنیاد فرهنگی هنری رودکی: ۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان صدور مجوز انتشار آثار موسیقی، اجرای موسیقی، پروانه تأسیس و فعالیت مراکز موسیقی: ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان
هنرهای نمایشی	۸۴ میلیارد و ۱۱ میلیون تومان	حمایت از برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌های مربوط به نمایش حمایت از تولید و اجرای نمایش‌های صحنه‌ای، سنتی و آیینی و توزیع در شبکه نمایش خانگی نظارت بر فعالیت‌های نمایشی صدور مجوز کمک به فعالیت‌های تئاتر موزه عروسکی کمک به مؤسسات، مراکز، انجمن‌ها، کانون‌ها، تشکل‌های صنفی وابسته و خانه تئاتر
امور سینمایی	۲۱۰ میلیارد تومان	برگزاری جشنواره فیلم فجر: ۱۷ میلیارد تومان صیانت از آثار سینمایی و جلوگیری از تکثیر غیرمجاز آن‌ها: ۷۰۰ میلیون تومان حمایت از صنعت پویانمایی: ۱۲ میلیارد تومان

چنانچه در ارقام آمده در جدول فوق مشاهده می‌شود، حوزه موسیقی با همه وسعت و آسیب‌پذیری آن، نسبت به مثلاً حوزه سینما که استقلال مالی بیشتری نیز دارد، بسیار کوچک‌تر است. این در حالی است که منطق سیاستی حاکم بر موسیقی کشورها، اصولاً حمایتی و هزینه‌ای است و در

بخش سینمایی، به‌جز حوزه محدود سینمای تجربی و مستند، منطق درآمدی حاکم است، باوجوداین، ارقام تخصیص‌یافته تناقضی آشکار با چنین رویکردی دارند. همین امر هم نشان از ناچیز شمردن اهمیت موسیقی در سپهر سیاست‌گذاری فرهنگی دارد و هم علت‌العلل بسیاری از ناکارایی‌های مدیریتی در این عرصه است.

### موانع ایدئولوژیک

مسائل فقهی در تمام مراحل چرخه تولید و مصرف موسیقی در کشور و پس از انقلاب اسلامی بیش از هر متغیر دیگری تأثیر گذارده‌اند. همین امر اصلی‌ترین عامل عدم تغییر سیاست‌های موسیقی به تناسب تحولات زمینه‌ای اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی است. باوجوداین، چنانچه پیش‌تر نیز گفته شد، اقتصاد سیاسی ملازم با این وضعیت و ساختار کوچک و غیرتخصصی دفتر موسیقی به‌عنوان عامل حاکمیتی را نیز باید در پیوند با این مسئله مورد نظر قرار داد، بدین ترتیب که گاهی تعارض منافع یا ناکارایی تخصصی سیستم دولتی، در معرفی این بُعد به‌عنوان علت اصلی مسائل موجود، تأثیر بیشتری بر درک واقعیت دارد تا سهم واقعی این بخش از عوامل بنیادین مسئله.

بررسی منابع و ادبیات این موضوع نشان می‌دهد به‌طور خلاصه مسئله غنا و موسیقی از حیث فقهی‌اش به قضایای زیر منتهی می‌شود:

اول آنکه غنا قطعاً حرام است اما مصادیق آن دارای ابهامات فراوانی است، «اجماع بر حرام بودن غنا اقامه شده است؛ هم اجماع محصل و هم منقول. بلکه حرمت غنا از ضروریات مذهب است» (سیدکریمی، ۱۳۹۳) و همچنین «تعریف مشهور فقها از غنا واجد چند واژه مبهم (طرب، ترجیع) است که تلاش فقیهان برای توضیح و تبیین آن‌ها به نتیجه روشنی نینجامیده و بلکه بر ابهامات افزوده است» (همان).

دوم آنکه، از نظر فقها، غنا هنر نیست، اما موسیقی هنر است.



سید حسین میثمی، با شناسایی سه دوره در سیاست‌گذاری موسیقی پس از انقلاب اسلامی و دو رویکرد متن‌گرا و زمینه‌گرا، این سیاست‌ها را در روندی پویا و متصلب توصیف کرده است که نگاهی به آن‌ها نشان می‌دهد با یک وضعیتی فقهی معین و متصلب مواجه نبوده‌ایم:

«رشد کمی آموزش موسیقی به تدریج در دوره‌های مختلف سیر صعودی داشته است. این آموزش در روند تدریجی خود همه انواع موسیقی را دربرگرفت. با این‌همه برای اولین بار، موضوع آموزش مقاطع سنی، در مباحث فقهی، در دوران دوم و سوم انقلاب به چالش کشیده شد. در محدوده اجرایی، موضوع جنسیت (تک‌خوانی بانوان) هنوز امری لاینحل باقی مانده است و کماکان موانع تک‌خوانی بانوان از بین نرفته است، اگرچه فعالیت بانوان در دوران سوم ارتقای بیشتری یافته است اما این احتمال وجود دارد که این ممانعت بیشتر به علت مخالفت‌های دیدگاه متن‌گرا باشد.

فعالیت برخی از سازها در دوران اول و دوم ممنوع یا محدود بود. در دوران سوم این محدودیت از بین رفت و ممانعتی برای فعالیت در امور مرتبط با ساز به‌طور کلی مشاهده نمی‌شود. برای پخش نشدن تصاویر در سیمای جمهوری اسلامی فرضیه‌های مختلفی وجود دارد که برخی از این فرضیه‌ها عبارت‌اند از: ترویج نکردن موسیقی (مصاحبه با مجید کیانی)، نگاه ابزاری مخالفان موسیقی (مصاحبه با داریوش پیرنیاکان)، مدیریت غلط و بی‌جسارتی مدیران (مصاحبه با رضا مهدوی) که به نظر می‌رسد بیشتر مخالفت‌های نگاه متن‌گرا و پیش‌گیری از ایجاد تنش علل واقعی آن بوده است.

نهادهای موسیقی در دوران اول و دوم اساساً درون حکومتی بود، در دوران سوم زمینه نهادهای برون‌حکومتی مهیا شد و در تصمیم‌گیری‌ها به تدریج جایگاه اندکی برای خود گشود. ممیزی‌هایی که از سوی مسئولان به تدریج اعمال می‌شد در سال‌های پس از انقلاب کم‌رنگ‌تر شده است و از نظرات کارشناسان متخصص بیشتر استفاده شده است. سیاست‌های موازی در نهادهای اجرایی هنری بیشتر شد، در هر دوره یک یا برخی از انواع موسیقی

تبلور بیشتری یافت که بیانگر کمبود سیاست بنیادی و حمایت منطقی، در این نهادها، در مورد انواع موسیقی است. به طور کلی در بررسی نهایی، هرچه از آغاز انقلاب می‌گذرد، نگاه زمینه‌گرا بیشتر مسلط می‌شود و به همین علت، فعالیت موسیقیایی با همه موانعی که سر راه داشته است در عرصه‌های مختلف افزایش یافته است» (میثمی، ۱۳۸۶).

تأثیر این وضعیت به صورت خلاصه در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی در موارد زیر خلاصه می‌شود:

**فقدان گفتمان مشترک میان فقه و موسیقی:** چارچوب محدودکننده سیاست‌گذاری موسیقی در تعریف فقهی از مفهوم «غنا» خلاصه می‌شود. از آنجایی که احکام مربوط به موسیقی به تعریف مفهوم «غنا» مربوط به متخصصان دینی است و امکان مشارکت و حضور سایر ذی‌نفعان در این مباحث وجود ندارد، شکاف گفتمانی عمیقی در این زمینه پدید آمده است که امکان بحث در باب واقعیت‌های اجتماعی درباره مصرف موسیقی و واقعیت‌های علمی و تخصصی درباره انواع موسیقی در آن وجود نداشته یا به اندازه‌ای نبوده است که توافقی پایدار در این زمینه را پدید آورد. غنا، که در فقه اسلامی به گونه‌ای خاص از خواندن اطلاق می‌شود، امروزه بنا به تصمیمات سیاسی، فضای فرهنگی و تصمیمات شخصی افراد تأثیرگذار، تمامی عرصه‌های موسیقی را دربر گرفته است بدون آنکه پروتکل‌های روشن و مشخصی بر آن مسلط شود؛ بنابراین آنچه بیش‌ازپیش در این عرصه می‌بینیم نوعی قهر و جدایی میان هنرمندان و اهالی موسیقی با علمای دینی، سیاست‌مداران و حتی سیاست‌گذاران است که موجب تعمیق شکاف‌های فرهنگی در عرصه تولید و مصرف موسیقی در جامعه نیز شده است. در حالی که چارچوب‌های دینی متصلب نبوده و در صورت آشکار شدن ضرورت‌های آن، امکان تغییر دارد. علل عدم تبیین درست و پدید آوردن فضای تغییر در فضایی غیر از فضای فقهی می‌باید دنبال شود که در این گزارش نیز به آن‌ها اشاره شده است.

**تعدد نهادهای حاکمیتی و فقدان اعتبار مجوزها:** علاوه بر منابع رسمی

که احکامی را در باب موسیقی صادر می‌کنند و از طریق نهادهای رسمی، مجوزهای موردنیاز برای هرگونه فعالیت موسیقایی در کشور را اعطا می‌کنند، نهادهای غیررسمی، غیردولتی و حکومتی نیز وجود دارند که مانع برخی فعالیت‌هایی می‌شوند که توسط نهادهای رسمی و باتوجه به مسائل فقهی آن مجاز دانسته می‌شوند. این مسئله به‌ویژه در مورد اجراهای صحنه‌ای موسیقی به‌نوعی آشفتگی و عدم قطعیت دامن زده است. این عدم قطعیت شاید در عرصه فرهنگی کشور اسلامی امری رایج و تاحدودی پذیرفتنی باشد، اما در عرصه سرمایه‌گذاری اقتصادی ایجاد ناامنی شدید می‌کند و فرصت‌های اقتصادی در عرصه موسیقی را از میان می‌برد. همین امر مانع اقتصادی مهمی را برای ارتقای سیاست‌گذاری در حوزه توسعه اقتصاد موسیقی ایجاد می‌کند.

### موانع اقتصادی

بررسی مسئله موسیقی ایران از منظر اقتصاد سیاسی اهمیت حیاتی در درک این مسئله و شناخت آن دارد. برآورد می‌شود گردش مالی صنعت موسیقی کشور حدود ۳۰۰ میلیارد تومان باشد.<sup>۱</sup> در یک گزارش این‌گونه آمده است که «خواننده‌های پرترفدار و بسیار مشهور تا ۴۲ میلیون برای هر سانس اجرا از تهیه‌کنندگان درخواست پول کرده‌اند. با احتساب اجرای سه شب کنسرت به‌طور متوسط یک خواننده ۱۲۰ میلیون تومان درآمد حاصل می‌کند» (اکبری صحت، ۱۳۹۶). گردش مالی این صنعت اگرچه منطبق با ظرفیت‌های آن نیست اما همچنان رقم قابل توجهی است. آیا این رقم نسبتاً بالای گردش مالی را باید به‌عنوان یک خبر خوش برای موسیقی کشور در نظر آوریم؟ پاسخ منفی است. واقعیت این است که صنعت موسیقی نسبت به گذشته رشد زیادی داشته است، تاحدودی پول‌ساز شده و شغل‌ساز هم شده است اما این به معنای پویایی و شکوفایی موسیقی کشور نیست.

۱. از آنجایی که مراجع مربوط به آموزش موسیقی، فروش ادوات موسیقی، تبلیغات، فروش آثار تولیدی و غیره متفاوت است، به صورت دقیق‌تر باید اشاره کرد که ارقام مورد اشاره تنها به اجراهای صحنه‌ای مربوط است.

۲. مصاحبه با الهیاری، مدیر دفتر موسیقی، تیرماه ۱۳۹۹.

برای توضیح این موضوع، به یک مثال توجه کنیم؛ در بازه سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۹، حدود ۳۰ شرکت موسیقی ثبت شده است و از سال ۱۳۹۰ تا به امروز، ۴۰۰ شرکت جدید به این آمار اضافه شده است، یعنی تعداد شرکت‌های نشر موسیقی ۱۳ برابر شده است. این در حالی است که میزان تولیدات آثار صوتی از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷، ۷۰ درصد رشد داشته است و از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷، این رشد ۳۰ درصد بوده است.

در حقیقت شرکت‌هایی وارد عرصه موسیقی می‌شوند که هدفشان تولید آثار موسیقی نیست یا تعداد تولیدات آن‌قدر کم است که به زحمت‌های شرکت‌داری نمی‌ارزد، اتفاقی که افتاده این است که شرکت موسیقی داشتن نوعی سرمایه‌گذاری فرهنگی یا اقتصادی برای افراد خاص شده است، پول‌هایی از خارج از حوزه موسیقی وارد این عرصه شده است که نه با مناسبات تولید و عرضه موسیقی رشد می‌کند و نه باعث ترقی آن می‌شود. بسیاری از کارشناسان و متخصصان موسیقی از ورود پول‌های سیاه، کثیف و غیرشفاف به این عرصه فرهنگی کشور گلایه می‌کنند که اساساً خروجی آن‌ها ضدفرهنگی است.

باید در نظر داشته باشیم که صنعت موسیقی از حیث اقتصادی عرصه رقابت بین انواع موسیقی در عرصه اجراهای صحنه‌ای است. از آنجایی که بیشترین درآمد در این صنعت در اجراهای صحنه‌ای حاصل می‌شود، برنده رقابت اقتصادی در این میدان آن نوع موسیقی‌ای است که می‌تواند سالن‌های کنسرت را با بیشترین قیمت بلیت فروخته‌شده پُر کند. مسلّم است که در این میان هیچ نوع موسیقی‌ای توان رقابت با موسیقی پاپ را ندارد. از آنجایی که این رقابت به همین شکل در همه دنیا جریان دارد، یکی از وظایف اصلی دولت‌ها در سیاست‌گذاری فرهنگی حمایت از انواع غیرتجاری موسیقی به‌منظور حمایت از میراث فرهنگی و سرمایه‌های فرهنگی ملی است.

اگر به بخش اول این گزارش بازگردیم که به توصیف منطق حمایتی و توسعه‌ای دولت‌ها در قبال موسیقی پرداخت، فاصله سیاست‌های کنونی با چنین رویکردی مشخص می‌شود. حال پرسش اینجاست که سرسپردگی

موسیقی کشور به منطق بازار و سودآوری اقتصادی، بدون وجود حمایت‌های جدی در این زمینه، چه پیامدهایی در عرصه فرهنگی و اقتصادی برای کشور داشته است؟ و چگونه، توفیق این منطق موجب ایجاد منافع اقتصادی ویژه برای افرادی شده است که متعلق به پهنه فرهنگی موسیقی نبوده‌اند و صرفاً برای سرمایه‌گذاری سودآور به این صنعت روی آورده‌اند؟

فقدان سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه موسیقی به دلیل موانع فرهنگی باعث شده تا منطق اقتصادی بازار موسیقی نقشی تعیین‌کننده‌تر در تعیین مسیر، رویکرد و روش پیشبرد این حوزه داشته باشد.

چنین وضعیتی کالایی‌شدن موسیقی را به مانعی جدی در برابر تغییرات ضروری تبدیل کرده است؛ بنابراین باید گفت صنعت موسیقی کشور به دو بخش درآمدزای پاپ و غیر درآمدزا، نحیف و رو به زوال کلاسیک، سنتی و نواحی تقسیم می‌شود. در بخش اول، سود زیاد اجراهای صحنه‌ای باعث جذب سرمایه‌گذاران شده است و همین حضور سرمایه تا اندازه زیادی این صنعت را هدایت می‌کند و مانع تغییرات اساسی و ایجاد اصلاحات در عرصه موسیقی می‌شود.

در مورد موسیقی غیر درآمدزا یا انواع دیگر تولیدات موسیقی (به‌غیر از اجراهای صحنه‌ای)، مشکلات اقتصادی در سال‌های اخیر تحت تأثیر تحریم‌های اقتصادی و نوسانات نرخ ارز نیز قرار گرفته است. تحریم‌ها باعث زیان اقتصادی زیادی در حوزه موسیقی می‌شود. امروزه یکی از روش‌های درآمدزایی در موسیقی فروش آثار در پلتفرم‌های موسیقی است که عمده‌تاً آمریکایی هستند. تحریم‌ها سبب شده این ارزآوری به صورت غیرمستقیم و از طریق شرکت‌های ثالث انجام شود. این امر باعث از بین رفتن درآمدی ۵۰ درصدی برای ناشر اصلی می‌شود. همچنین از دیگر آسیب‌ها عدم امکان فروش موسیقی به محصولات تصویری خارجی<sup>۱</sup> است که با اعمال تحریم‌ها این عدد در بسیاری از سال‌ها صفر است. این فروش عموماً به ازای هر قطعه چند ده برابر هزینه تولید یک آلبوم موسیقی است که طبیعتاً صنعت

۱. Synchronization: خریداری موسیقی برای محصولات تصویری مانند کلیپ‌ها یا سایر ویدئوها.

موسیقی ایران به دلیل تحریم و عدم توان در بازاریابی از کانال‌های ثالث از این درآمد هم محروم است. اجراهای زنده خارج از کشور هم عمدتاً به دلیل ترس کشورهای دیگر از تحریم‌های آمریکا در حدود ۱۵۰ سانس اجرا در سال است، درحالی‌که با پتانسیل موسیقی ایران این عدد می‌باید بالای ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ سانس باشد. طبیعتاً این بخش از مضرات تحریم برای صنعت موسیقی ایران است.

در حوزه داخلی، تحریم‌ها و نوسانات ارزی باعث بالا رفتن قیمت مواد اولیه تولیداتی همچون سی دی و کتاب می‌شوند. به دلیل ظرفیت مشخص و محدود خرید آثار فرهنگی این‌چنینی، با بالاتر رفتن قیمت مصرف‌کننده، تیراژ سقوط می‌کند. به‌عنوان مثال، فروش آثار غیرتجاری در حدود ۱۰ سال برای هر اثر حدود ۱۰۰۰ نسخه بوده است اکنون این عدد به سالی ۱۰۰ نسخه سقوط کرده است (مصاحبه نگارنده، اسفند ۱۳۹۸).

بدین ترتیب، اقتصاد بیمار و رهاشده موسیقی کشور، که در آن پول‌های هنگفتی نصیب افراد کم‌شمار می‌شود، خود به‌عنوان یکی از علت‌های بنیادین مسئله موسیقی شناخته می‌شود. اگرچه، این صنعت نسبت به ظرفیت‌های درآمدزای خود کوچک مانده است و در عرصه جهانی جایگاهی ندارد، اما در عین حال با اتکا به همین خلل سیاستی موجب پدیدار شدن منفعت‌های اقتصادی‌ای شده که به‌عنوان مانعی برای اصلاح و بهبود عمل می‌کنند.

## روندهای پیش‌رو

### غلبه اقتصاد بازار بر حکمرانی فرهنگی

در ذیل این عنوان، روند اقتصادی‌سازی موسیقی کشور و آسیب‌های فرهنگی آن به‌عنوان یکی از روندهای پیش‌رونده در سال‌های پیش‌رو معرفی می‌شود. تیرماه ۱۳۹۸ روزنامه فرهیختگان در گزارشی با عنوان «اعداد شگفت‌انگیز در اقتصاد موسیقی» نوشت: «قطعاً موسیقی و کنسرت برای عده‌ای سود داشته و دارد که سال‌هاست در همین حوزه فعالیت می‌کنند و البته همیشه

هم می‌نالد که موسیقی در کشور ما مظلوم است و به آن توجهی نمی‌شود. تعداد کنسرت‌گذاران، خوانندگان و تهیه‌کنندگان روزبه‌روز بیشتر می‌شود و گردش مالی آن‌هم بیشتر. این نوایی است که نان‌های فراوانی سر سفره‌ها آورده است و هنوز عده‌ای ناشکری می‌کنند»<sup>۱</sup>.

این روایت چکیده‌ای از آسیبی است که می‌توان با عنوان «جایگزینی اقتصاد با فرهنگ» در عرصه موسیقی آن را بازشناسی کرد. موسیقی همچنان سودآور است اما اعداد نمی‌توانند روایت‌های واقعی را بازنمایی کنند. در مصاحبه با تعدادی از اهالی نشر موسیقی، واقعیت‌های زیر عیان می‌شوند که آمارهای رسمی نیز آن‌ها را تأیید می‌کند اما از چنین روایتی طفره می‌روند: در میان ناشران روبه‌افزایش در حوزه موسیقی، هیچ ناشری را نمی‌یابیم که بتواند موسیقی سنتی، مقامی و نواحی را منتشر کند. این نوع موسیقی توجیه اقتصادی ندارد.

آمار کنسرت‌های موسیقی به تفکیک انواع موسیقی منتشر نمی‌شود، واقعیت آن است که بر اساس یک تخمین، از حدود ۱۰ هزار کنسرت برگزار شده در سال ۱۳۹۷، کمتر از ۲۰ مورد آن‌ها مربوط به موسیقی نوع دیگری غیر از پاپ تجاری است.

لوییس چکناواریان، آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان برجسته کشور، می‌گوید: «تشکیل ارکستر سمفونیک حداقل به پنجاه سال زمان نیاز دارد. بچه‌ها باید از شش یا هفت سالگی نواختن را شروع کنند و در ۲۰ سالگی وارد ارکستر شوند و در ۳۰ سالگی نوازنده‌ای خوب برای ارکستر شوند»<sup>۲</sup>. کمیت و کیفیت ارکسترهای موجود در کشور گویای وضعیت نامناسب آموزش، مدیریت و در مجموع، سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری در سطح کلان کشور در حوزه موسیقی است که با واقعیت‌های آماری درباره درآمدزایی عرصه موسیقی همخوانی ندارد. همه این‌ها نشانه‌های احتضار فرهنگ موسیقی کشور است، حتی اگر از بُعد اقتصادی از مزایای بسیاری که توسعه پایدار و درست این صنعت برای

1. <http://fdn.ir/29409>

2. <https://tn.ai/2062887>

کشور دارد چشم‌پوشی کرده باشیم و فعالیت اقتصادی عده‌ای در این صنعت را نشانه‌ای از پویایی آن بدانیم. پیامدهای چنین وضعیتی در موارد زیر آمده است: سرریز سرمایه‌های مالی از بخش‌های دیگر به بخش موسیقی که خود را در افزایش شدید تعداد شرکت‌های موسیقی و افزایش شکایت‌های مربوط به این ناشران نوپدید و ناآشنا در دادسرای فرهنگ و رسانه نشان می‌دهد.

کوچک، محدود، غیرفعال یا غیرحرفه‌ای بودن ویژگی ارکسترهای تهران، ایران و شهرستان‌های کشور است که باعث شده انگیزه‌ای برای حرفه‌ای شدن نوازندگان وجود نداشته باشد و اغلب نوازندگان به حرفه تدریس روی می‌آورند. این موضوع در یکی از مصاحبه‌ها این‌گونه بیان شده است: «موسیقی‌دان حرفه‌ای ما یا باید برود درس بدهد که ذائقه آهنگ‌سازی‌اش را از دست می‌دهد یا باید ذائقه کاری‌اش را تغییر بدهد، مثل این می‌ماند که یک رمان‌نویس ادبی کتاب آشپزی بنویسد» (مصاحبه نگارنده، اسفند ۱۳۹۸).

بدین‌سان، اگرچه در نمایی اقتصادی، بازار موسیقی کشور دوران رو به رونقی را از حیث موسیقی پاپ و اجراهای صحنه‌ای طی می‌کند، اما نه از نظر اقتصادی جایگاهی متناسب با ظرفیت‌های خود دارد و نه از نظر فرهنگی به معنای خوب این شاخه مهم فرهنگی کشور است. چنانچه به اذعان یکی از مصاحبه‌شوندگان، «الان شناسه موسیقی ایرانی در جهان خیلی افت کرده است، پنج سال دیگر اصلاً شناسه‌ای نخواهیم داشت و می‌رویم زیرمجموعه موسیقی عرب» (مصاحبه نگارنده، اسفند ۱۳۹۸).

#### عدم حفاظت از موسیقی ایرانی

روند نابودی و از دست رفتن بخش‌هایی از موسیقی، که به‌عنوان میراث فرهنگی و تاریخی کشور شناخته می‌شود، و به‌طور کلی از دست رفتن موسیقی ایرانی و جایگزینی آن با موسیقی غیرایرانی و غیراصیل، آن‌هم از نوع بی‌کیفیت، روندی است که در سال‌های پیش رو گریبان‌گیر این حوزه خواهد بود و ادامه می‌یابد:



فراهم نبودن بسترهای لازم برای فعالیت و عدم حمایت دولت و نیز مشکلات نظام آموزش موسیقی و نقض گسترده حق نشر موسیقی هنری را به‌طور مضاعف تضعیف کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تقاضا برای موسیقی در کشور بالاست؛ اما تقاضای قابل توجهی که برای موسیقی در کشور وجود دارد از کانال‌های رسمی به‌خوبی پاسخ داده نشده است. حال سؤال این است که این تقاضای موسیقی از چه منابع دیگری پاسخ داده می‌شود؟ پژوهش محمد فاضلی در سال ۱۳۸۴ نشان داده است در فهرست بیست نفری که بیشتر جوانان شهر تهران آن‌ها را به‌عنوان اولین خواننده‌ای نام برده‌اند که در زندگی به او علاقه‌مند شده‌اند، ۱۰ نفر از خوانندگان لس‌انجلسی‌اند. همین تحقیق نشان می‌دهد هنرمندان موسیقی‌ای که به‌نوعی نمایندگان هنر فرهیخته‌اند در بین جوانان کمابیش ناشناخته‌اند. یافته دیگری نشان می‌دهد گرایش جوانان به آموزش نوازندگی سازهای غیرایرانی بیشتر از سازهای ایرانی است؛ به این اندازه که ۶۰/۶ کسانی که دست‌کم یک بار در کلاس نوازندگی شرکت کرده‌اند سازهای خارجی را برای یادگیری انتخاب کرده‌اند (فاضلی، ۱۳۸۶). این پژوهش چنین استدلال می‌کند که علاقه‌مندی به موسیقی‌های هنری و فرهیخته و بهره‌گیری از آن‌ها - برخلاف موسیقی پاپ - به سرمایه فرهنگی یا پرورش ذائقه خاصی نیاز دارد؛ لذا در غیاب آموزش‌های عمومی و کار رسانه‌ای، مصرف موسیقی‌های هنری پایین می‌آید (همان). روشن است که باوجود تقاضای بالا، موسیقی پاپ است که جاهای خالی موسیقی‌های هنری را پر می‌کند (تقی‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۹)

افت سطح کیفی آثار تولیدی و اجراها به‌طورکل شامل تمام گونه‌های موسیقی است؛ یعنی استانداردهای موسیقی‌های مورد پسند عامه نیز افت می‌کنند. چنین موسیقی‌ای توان رقابت چندان با تولیدکنندگان خارجی موسیقی ندارد و قادر نیست در بیرون از مرزهای کشور مشتری و شنونده بیابد (همان). نتیجه‌ای که از این فرایند حاصل می‌شود به معنای از دست رفتن عناصر

اصیل موسیقی ایرانی در طی زمان است و آنچه بیش از هر چیزی در چنین فرایندی مؤثر است عدم آموزش همگانی موسیقی برای کودکان ایرانی است. چنانچه در بخش‌های توصیف وضعیت موجود این گزارش آمده است، آموزش موسیقی مختص طبقه‌ای خاص است که امکان آموزش موسیقی برای کودکانشان را در آموزشگاه‌های موسیقی فراهم می‌آورد و این امر به ناعدالتی آموزشی گسترده در آموزش موسیقی منجر شده است. چنین روندی نوعی محرومیت از آموزش اولیه موسیقی را برای کودکان کشور رقم زده است که نتیجه آن عدم شناخت موسیقی باکیفیت از موسیقی بدون کیفیت است. همچنین، کلام مهیج غالب بر موسیقی، بدون توجه به ارزش موسیقایی، به‌تنهایی موجب جذب مخاطب می‌شود.

درحالی‌که یونسکو در پنج حق موسیقی که برای همه مردم جهان برمی‌شمارد، بر حق آموزش زبان و مهارت موسیقی برای همه افراد بشر تأکید می‌کند؛ بسیاری از متخصصان موسیقی شیوه رایج استفاده از کلام و پس‌زمینه موسیقی برای کودکان را که فاقد ارزش‌های کلامی و موسیقایی است با تعابیری مانند فساد شنوایی نقد می‌کنند. ایشان معتقدند عدم شناخت کافی از موسیقی نزد عامه مردم و فقدان توانایی برای تشخیص آن باعث شده نوعی از موسیقی و شعر به‌عنوان موسیقی ایرانی ترویج شود و عده‌ای در این میان به سودجویی پردازند.<sup>۱</sup>

س. ب. نوازنده و مدرس موسیقی ایرانی نیز چنین می‌گوید:

ده سال پیش وقتی "یه گلی سایه چمن" را درس می‌دادم، هنرجوها خوشحال می‌شدند که بالاخره به این آهنگ رسیدیم، اما بچه‌های الان اصلاً تا به حال این آهنگ به گوششان نخورده است (مصاحبه نگارنده، اسفند ۹۸).

بدین ترتیب با روندی مواجه هستیم که از یک‌سو به از دست دادن ذائقه موسیقی ایرانی و از سوی دیگر به از دست دادن مفاخر و میراث موسیقی ایرانی منجر خواهد شد.

۱. همچنین نگاه کنید به مصاحبه با میدیا فرج نژاد، آهنگساز و موسیقی‌دان ایرانی در خبرگزاری ایلنا، قابل دسترس در: <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-۸۹۷۰۷۰>

## سیاست‌های پیشنهادی

چنانچه آمد، روندهای موجود در سال‌های آینده نیز موسیقی کشور را با مسائل زیر مواجه خواهند کرد:

- از میان رفتن شناسه موسیقی ایرانی در جهان و حقوق مادی و معنوی آن برای هنرمندان ایرانی
  - تغییر ذائقه موسیقایی به دلیل محرومیت از آموزش، غلبه ارزش‌های موسیقی پاپ بر سایر انواع موسیقی اصیل ایرانی و ظهور بیشتر پیامدهای پیدایش فرهنگ موسیقایی سخیف و کلامی به‌انحاء مختلف در جامعه
  - ایجاد زمینه اقتصادی روبه‌گسترش برای سرمایه‌گذاری در موسیقی خاص بدون اعمال نظر متخصصان و تنظیم‌گری مؤثر سیاستی به حذف سایر انواع موسیقی ایرانی و ورود سرمایه‌گذارانی بدون زمینه فرهنگی متناسب و صرفاً با هدف سودآوری و نیز به متضرر شدن موسیقی‌دان‌هایی منجر می‌شود که فعالیت‌های غیر عامه‌پسند دارند.
  - کم‌توجهی به ضرورت‌های تغییر در سیاست‌گذاری فرهنگی در این حوزه به بروز و تشدید پیامدهای تحلیل‌شده می‌انجامد که برخی از اثرات آن جبران‌ناپذیر بوده یا به‌سختی قابل جبران‌اند.
- برای تغییر این روندهای مخرب، ضروری است به علل بنیادین سه‌گانه که در این گزارش آمد توجه شود. در این بخش، سیاست‌های اصلاح و تغییرات ضروری پیشنهاد شده است:

**ضرورت ایجاد نظام اطلاعات، برنامه‌ریزی و پایش موسیقی:** بازنگری در ساختار دفتر موسیقی به‌نحوی که با ایجاد یک نظام ملی جمع‌آوری، ثبت و ذخیره‌سازی داده‌های مرتبط با فعالیت‌های حوزه موسیقی کشور شناسایی بخش‌های آسیب‌پذیر موسیقی ایرانی ممکن شود و با ارائه گزارش‌های موردی و دوره‌ای به مراجع بالاتر، امکان شناخت بهتر این عرصه و تغییرات ضروری در آن فراهم شود.

**ایجاد سازوکار حمایتی برای گونه‌های موسیقایی غیرتجاری:** بازنگری در ساختار دفتر موسیقی به‌نحوی که بودجه لازم برای حمایت از موسیقی سنتی

و نواحی ایرانی ممکن شود. استفاده از متخصصان هریک از این حوزه‌ها و برنامه‌ریزی توسط ایشان برای حمایت از بخش‌های مرتبط امکان‌پذیر شود و ایجاد و تقویت ارکستر ملی ایران و ارکستر سمفونیک شهرهای کشور در دستور کار قرار گیرد. سازوکارهای استفاده از ظرفیت نهادهای دولتی و عمومی برای اجراهای صحنه‌ای موسیقی سنتی و نواحی ایرانی و همچنین استفاده از ظرفیت‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در حراست از میراث معنوی موسیقی ایرانی بررسی گردد و راهبردهای مشخص تعیین و اجرایی شود. راهبردهای مؤثر برای تشویق سرمایه‌گذاری و حمایت از انتشار آثار موسیقی سنتی و نواحی تعیین و اجرایی شوند.

**ایجاد و ارتقای زیرساخت‌های فنی لازم برای بالا بردن کیفیت اجرا و تولید موسیقی:** ساخت، بازسازی و فعال کردن تالارها و مراکز هنری و بهره‌گیری از امکانات موجود و جلب مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی، دولتی و غیردولتی در توسعه فعالیت‌های موسیقایی ضروری است.

**توانمندسازی دفتر موسیقی:** ساختار دفتر موسیقی می‌باید به صورتی توانمند شود که قدرت و مقبولیت لازم برای اعمال سازوکارهای حقوقی مربوط به حق تألیف و نشر برای تولیدکنندگان آثار موسیقی با همکاری نهادهای صنفی را پدید آورد. همچنین این نهاد می‌باید روندهای مجوزدهی به آثار موسیقی در بخش‌های سنتی و نواحی را به نحو مطلوب تغییر دهد و مجوزهای بلندمدت را برای این آثار صادر کند.

**ارتقای اعتبار مجوزهای اعطاشده:** در حال حاضر مجوزهای تأییدشده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای اجراهای صحنه‌ای توسط سایر نهادهای حاکمیتی پیوسته لغو می‌شوند و دولت توانایی لازم را برای اعمال قوانین سراسری در همه شهرهای کشور در مورد اجراهای صحنه‌ای ندارد. این امر زمینه‌ای برای فساد مالی در بخش‌های دولتی و خصوصی پدید می‌آورد که افرادی، با استفاده از رانت‌های موجود، اعتبار مجوزها را ارتقا می‌دهند. بهبود این وضعیت از طریق مذاکره و توافق در سطح حاکمیتی امکان‌پذیر

است. مصاحبه با مسئولان دولتی تاکنون حاکی از فقدان عزم و اراده برای چنین مذاکره‌ای بوده است.

**آموزش همگانی موسیقی با در نظر گرفتن دغدغه‌های مذهبی و حاکمیتی:** آموزش مبانی موسیقی به صورت همگانی با هدف ارتقای سواد موسیقایی متفاوت از امر ترویج موسیقی است که می‌باید در دستور کار مذاکرات گسترده با مراکز آموزش دینی به‌ویژه در مقاطع عالی قرار گیرد. جلب همکاری مراکز هنری وابسته به حوزه برای تبیین ضرورت آموزش همگانی موسیقی و همچنین تهیه یک سیاست اقتصادی برای استفاده از ظرفیت آموزش همگانی موسیقی در اشتغال‌زایی ضروری است.

اجرای این سیاست‌ها یا سیاست‌های مشابه می‌تواند فرصت‌های نوپدید یا فرصت‌های نهایی را برای حوزه‌های زیر پدید آورد که چشم‌پوشی از آنها مغایر با منافع ملی است:

- بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی با توسعه بخش فرهنگی در زمینه آموزش همگانی موسیقی به‌ویژه هم‌راستا با اصول اقتصاد مقاومتی
- بهره‌مندی از فرصت‌های فرهنگی با بهره‌مندی از ظرفیت‌های موسیقی نواحی و تقویت بخش گردشگری فرهنگی
- بهره‌مندی از آخرین فرصت نجات‌بخشی موسیقی نواحی از نابودی کامل
- بهره‌مندی از فرصت حفاظت از موسیقی ایرانی در برابر انواع عامه‌پسند موسیقی ایرانی و خارجی که از ارزش موسیقایی و فرهنگی کمتری برخوردارند با ایجاد ذائقه موسیقایی مبتنی بر آموزش و آگاهی.

## فهرست منابع

آزاده‌فر، محمدرضا (۱۳۹۰). اقتصاد موسیقی: فرایند تولید، بازاریابی و فروش محصولات (به همراه بررسی نظام اقتصاد موسیقی ایران). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). «سنجش چگونگی تغییر ذائقه و سبک شنیداری عمومی موسیقایی در ایران بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ بر مبنای آلبوم‌های منتشر شده و اجرای کنسرت‌ها»، نامه هنرهای نمایشی و موسیقی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، دوره ۵، شماره ۹، صص ۱۰۴-۹۷.

تقی‌زادگان، معصومه؛ نرگس آذری، نسرین قنوتی و فرشید مقدم سلیمی (۱۳۹۹). پیش‌نویس سند موسیقی در جمهوری اسلامی ایران و اسناد پشتیبان. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

زاده‌محمدی، علی (۱۳۸۷). بررسی تأثیرات روان‌شناختی انواع موسیقی عامه‌پسند ایرانی (بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی در دانشجویان دانشگاه‌های جامع شهر تهران). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات اسلامی.

سیدکریمی، سید عباس (۱۳۹۳). «نقد و بررسی تعاریف موجود در موضوع غنا»، فصلنامه علمی پژوهشی الهیات هنر، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۳۸-۱۱۳.

صدرنوری، بردیا و محمدحسین همافر (۱۳۸۴). طرح جامع موسیقی کشور (نظام موسیقی کشور: چالش‌ها و راهبردها). تهران: نشر راد نواندیش.

فاضلی، محمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مصرف موسیقی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

میثمی، سیدحسین (۱۳۸۶). تحلیل مباحث فقهی موسیقی بعد از انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر حیات موسیقایی کشور. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

## پایگاه‌های اینترنتی

اکبری صحت، فهیمه (۱۳۹۶). «درآمد ۴۰۰ میلیونی برگزاری یک کنسرت متوسط»، قابل دسترس در: <https://www.asriran.com/fa/news/537632/>

ستایشگر، امیرعباس (۱۳۹۸). «نامه سرگشاده یک تهیه‌کننده موسیقی به وزیر ارشاد»، خبرگزاری ایلنا، قابل دسترس در: <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-765395>

خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۸). «نباید به موسیقی نگاه تجاری داشت»، قابل دسترس در: [www.irna.ir/news/83495223/](http://www.irna.ir/news/83495223/)

خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸). «چکناواریان: ارکستر سمفونیک تهران در حد دبستان است»، قابل دسترس در: <https://tn.ai/2062887>

## گزارش رصد فرهنگی (۱)

خبرگزاری خانه ملت (۱۳۹۷). «چرا مجلس با واریز ۱۰ درصد از بهای بلیت کنسرت‌ها به خزانه‌داری کل کشور موافقت کرد»، قابل دسترس در: <https://www.icana.ir/Fa/News/419250>

خبرگزاری فارس (۱۳۹۷). «آخرین قیمت سالن‌های کنسرت در تهران»، قابل دسترس در: <http://radioava.ir/ChannelNewsDetails/?m=110001&n=232884>

روزنامه فرهیختگان (۱۳۹۸). «اعداد شگفت‌انگیز در اقتصاد موسیقی»، قابل دسترس در: <http://fdn.ir/29409>

نعمی، علی (۱۳۸۹). «گرانی کنسرت‌های موسیقی و ۱۰ درصدی که به خزانه می‌رود»، روزنامه صمت، ۱۳۹۸/۲/۱۵، قابل دسترس در: [www.smtnews.ir/art-culture/36505](http://www.smtnews.ir/art-culture/36505)

هنر امروز (۱۳۹۸). «سهم هنر از بودجه سال ۱۳۹۹»، قابل دسترس در: <http://www.honarmrooz.com/fa/tiny/news-1169>

Cultural policies in France: Visual arts, Cinema and audiovisual, Books, Music, Performing arts. (2008) coalition for cultural diversity. Available at:

<http://www.coalitionfrancaise.org/wp-content/uploads/2013/11/Cultural-policies-in-France.pdf>

Cultural Policy in Turkey: National Report. (2013) Ankara. Available at: <https://rm.coe.int/t/1680643ad2>.

Music Ally. (2019) Available at:

<https://musically.com/wp-content/uploads/2019/01/Country-profile-Turkey-2019.pdf>.

### فعالان و صاحب‌نظران مصاحبه‌شده

ردیف	نام و نام خانوادگی	حوزه تخصصی
۱	الف. ج.	عضو هیئت‌مدیره مجمع صنفی ناشران آثار شنیداری، موسیقی‌دان و صاحب نشر موسیقی
۲	الف. س.	عضو هیئت‌مدیره مجمع صنفی ناشران آثار شنیداری، موسیقی‌دان و صاحب نشر موسیقی
۳	س. ب.	نوازنده، خواننده، مدرس موسیقی
۴	م. الف.	دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۵	ن. ف.	فعال حوزه موسیقی



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در گزارش حاضر، وضعیت موجود موسیقی ایران در سال ۱۳۹۸ و دو رویداد مهم مرتبط با موسیقی در این سال (حواشی پیرامون قانون اخذ مالیات از اجراهای صحنه‌ای و همخوانی آهنگ ساسی مانکن در مدارس) تشریح شده‌اند. براساس این گزارش، موانع دیوان سالاری با ضعف‌های مترتب بر ساختار، بودجه و تخصص در دفتر موسیقی به شکل موانعی برای تغییر وضعیت موجود موسیقی هویدا می‌شوند و این دلایل، در پیوند با محدودیت‌های ایجادشده رسمی در بستر ایدئولوژیک، موجب زوال موسیقی ایرانی در بخش میراثی و فرهنگی می‌شوند. در پایان، روندهای آینده بر اساس وضعیت کنونی توصیف شده‌اند.

پایین‌تر از میدان ولیعصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

تلفن: ۸۸۹۱۹۱۸۰

سایت مرکز رصد فرهنگی: [www.ircud.ir](http://www.ircud.ir)



مرکز رصد فرهنگی کشور